A comparative study of civil fines (non-criminal penalties) as a guarantee for the implementation of obligations to a person in the Roman-Germanic and Common Law systems

Hani Hajian
PhD student in private law, Faculty of Humanities, Azad University (North Tehran Branch) Tehran, Iran
hanihajian@gmail.com

Faryba Azadeh Ranjbar
Researcher at the Iranian Law and Law Research Institute, Master's degree in private law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran (Corresponding Author)
Fariba_ranjbar@yahoo.com

Fatemeh Omidi
Researcher at the Iranian Law and Law Research Institute, Master's degree in private law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University Tehran, Iran
fatemehomidilaw@gmailcom

Received: 2025-10-19 **Accepted: 2025-09-10**

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 9 | No. 31 | Summer 2026
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2075029.1722

Abstract

In obligations, the principle is the specific performance of the obligation itself. From the perspective of whether the obligation can or cannot be performed by a third party, obligations are divided into two categories: personal obligations (intuitu personae) and non-personal obligations. A key characteristic of personal obligations is their reliance on the personality of the obligor. In personal obligations, if one of their essential elements—which may be the obligor or the subject matter of the obligation itself—is impaired, may affect the legal status and consequences of the obligation, and its rules differ from those governing non-personal obligations. Furthermore, when compelling the obligor to perform the obligation during the enforcement stage, the compulsion method differs from that used for non-personal obligations. In this type of obligation, performance by a third party is not possible; hence, if the obligor refuses to perform

the obligation, claiming the cost for third-party execution is not an option. For this reason, and based on the principle of specific performance, the legislator stated in the note to Article ۴۷of the Law on Enforcement of Civil Judgments (1977): "If the performance of the act by another person is impossible, it shall be carried out in accordance with Article 729 of the Code of Civil Procedure." With the repeal of the 1939 Code of Civil Procedure and the adoption of the 2000 Code of Civil Procedure, the question of whether the ruling in the said note remains in force or is repealed has been raised in courts and constitutes the main question of this research. This study employs library resources and a descriptive-analytical method to investigate the main question. It aims, firstly, to examine the status of the aforementioned proviso considering the repeal of the former Code of Civil Procedure. Secondly, it seeks to clarify the enforcement mechanism for personal obligations, under the assumption that the note is either repealed or remains in force. The findings of this research suggest that the repeal of Article 729 of the former Code of Civil Procedure is unacceptable, and the institution of civil fine (non-criminal chastisement/penalty) is a ruling that not only does not contradict Sharia law but also guarantees the execution of the contract based on the rule of "Afw Bil-Uqud" (Fulfill the contracts).

Keywords: Personal Obligation (Intuitu Personae), Performance of Obligation, Article 729 of the former Code of Civil Procedure, Article 730 of the former Code of Civil Procedure, Article 47 of the Law on Enforcement of Civil Judgments, Non-Criminal Penalties, Civil Fine.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4. International

مطالعه‌ی تطبیقی جریمهٔ مدنی (تعزیرات غیرکیفری) به عنوان ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص در نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی و کامن‌لا

هانی حاجیان | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد تهران شمال ، تهران، ایران hanihajian@gmail.com

فریبا آزاده‌رنجبر | پژوهشگر پژوهشکده حقوق و قانون ایران ، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) Fariba_ranjbar@yahoo.com

فاطمه امیدی | پژوهشگر پژوهشکده حقوق و قانون ایران ، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی،دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران fatemehomidilaw@gmailcom

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۹| شماره ۳۱| تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2075029.1722

چکیده

در تعهدات، اصل بر اجرای عین تعهد است. از حیث قابلیت یا عدم قابلیت اجرای تعهد توسط ثالث، تعهدات به دو دسته‌ی تعهدات قائم به شخص و غیرقائم به شخص قابل تقسیم می‌باشند. از ویژگی‌های تعهدات قائم به شخص، وابسته بودن به شخصیت متعهد است. در تعهدات قائم به شخص در صورتی که بهکی از ارکان اساسی آن که ممکن است متعهد یا خود موضوع تعهد باشد خللی وارد آید، سرنوشت تعهد دچار دگرگونی می‌گردد که احکام آن متفاوت با تعهدات غیرقائم به شخص است. همچنین در صورت الزام متعهد به انجام تعهد در مرحله‌ی اجرای حکم، الزام متعهد متفاوت از تعهدات غیرقائم به شخص است. در این نوع تعهدات، اجرای تعهد توسط ثالث ممکن نیست لذا اگر متعهد حاضر به اجرای تعهد نگردید امکان مطالبه هزینه‌ی تعهد از جهت اجرا توسط ثالث وجود نخواهد داشت؛ به این جهت و بر مبنای اصل اجرای عین تعهد، قانون‌گذار در تبصره ماده ٤٧ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ١٣٥٦ بیان می‌دارد:«در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده‌ی ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد».

با نسخ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و تصویب قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، نسخ و یا بقا حکم تبصره مذکور سوالی بوده‌است که در محاکم مطرح است و سوال اصلی این تحقیق است. در این پژوهش با ابزار کتابخانه‌ای و با شیوهٔ توصیفی تحلیلی اقدام به بررسی سوال اصلی به عمل می‌آید و سعی می‌شود اولاً، وضعیت تبصرهٔ مذکور را با توجه به نسخ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مورد بررسی قرار دهد. ثانیاً، چگونگی اجرای تعهدات قائم به شخص، در فرض پذیرش نسخ یا عدم نسخ تبصره را تبیین نماید. از یافته‌های این تحقیق به‌دست آمده که نسخ ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق قابلیت پذیرش نداشته و نهاد جریمهٔ مدنی (تعزیرات غیرکیفری) حکمی است که نه تنها با شرع مخالفتی ندارد بلکه اجرای قرارداد را بر مبنای قاعدهٔ «أفوا بالعقود» تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تعهد قائم به شخص، اجرای تعهد، ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق، ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق، ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م، تعزیرات غیرکیفری، جریمه مدنی

مقدمه

در نظام‌هایی که مقتبس از حقوق روم باستان است، اصل تمامی تحلیل‌های موجود بر محور تعهدات استوار می‌گردد. در نظام حقوقی ایران که از حقوق اسلامی و فرانسه اقتباس شده است، اساس و محور بیشتر قوانین بر محوریت حقوق اسلامی شکل گرفته و تعهدات اگر نگوییم دارای جنبه فرعی است اما جنبه اصلی گفتگو نبوده و در میان نظریه تملیک از تعهدات نیز استفاده شده‌است. امتزاج این دو نظام حقوقی باعث گردیده که نظام حقوق ایران در عمل با برخی از مفاهیم حقوق غربی به صورت محتاطانه‌تری برخورد نماید، چراکه مبانی‌ای که از نظام حقوق رومی اخذ می‌شود باید منطبق بر موازین دین مبین اسلام باشد و اگر لازم بود تغییراتی در آن داده شود. یکی از نهادهایی که در آیین دادرسی مدنی سابق به چشم می‌خورد، نهاد جریمه مدنی است. با انقلاب اسلامی و تغییراتی که در برخی از قوانین ایجاد گردید برخی از نهادهای موجود در قوانین سابق به دلیل مخالفت با شرع از قوانین جدید حذف گردیده و برخی نیز شاید به دلیل شتاب‌هایی که در تصویب قوانین وجود داشت مورد توجه قرار نگرفته‌است. در این میان حذف نهاد جریمه مدنی در قانون آیین دادرسی مدنی[1] مصوب ۱۳۷۹ قابل توجه بوده و باعث شده‌است که نظریات مختلفی در میان حقوق‌دانان در این خصوص ارائه گردد.

در خصوص نهاد حقوقی جریمه مدنی بحث اساسی بر مبنای نظریه تعهدات شکل می‌گیرد. تعهدات را بسته به روابط مابین طرفین می‌توان، به انواع مختلفی تقسیم نمود. کاری که لنگرودی به خوبی در کتاب دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت بدان تصریح نموده‌است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۷۷). یکی از تقسیم‌بندی‌هایی موجود، تقسیم‌بندی تعهدات به تعهدات قائم به شخص و تعهدات غیرقائم به شخص است. در روابط قراردادی، ممکن است متعهد مرتکب نقض قرارداد شود و باتوجه به اینکه نظام حقوق مدنی الزام به انجام تعهدات را به عنوان راهکار اولیه در ماده ۲۳۷ قانون مدنی[2] مورد

[1] از این به بعد در این پژوهش به جای قانون آیین دادرسی مدنی از علامت اختصاری ق.آ.د.م استفاده می‌شود.

[2] از این به بعد در این پژوهش به جای قانون مدنی از علامت اختصاری ق.م استفاده می‌شود.

پذیرش قرار داده‌است، باید بررسی نمود که اثر الزام به انجام تعهدی که در رأی دادگاه تجلی پیدا می‌کند به عنوان اولین راهکار قانون مدنی در تعهدات قائم به شخص، به چه شکل متبلور می‌شود، چراکه بعید نیست که محکوم‌علیه از اجرای تعهد خودداری نماید.

در ماده‌ی ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی،[۱] تقسیم‌بندی تعهدات به غیرقائم به شخص و قائم به شخص و همچنین ضمانت اجرای مخصوص هریک از تعهدات به نحو دقیق بیان شده‌است. چنانچه عمل مزبور قائم به شخص نباشد و توسط ثالث قابل انجام باشد؛ برابر صدر ماده‌ی مذکور، دو امکان برای محکوم‌له فراهم کرده است: اول- انجام آن عمل توسط شخص ثالث تحت نظر دادورز و مطالبه هزینه آن از محکوم‌علیه و دوم، مطالبه هزینه از محکوم‌علیه از طریق قسمت اجرا و تسلیم آن به محکوم‌له تا خود شرایط اجرای تعهد را فراهم آورد و جلوی خسارت وارده را بگیرد.

در خصوص تعهدات قائم به شخص تبصره‌ی ماده‌ی مذکور بیانگر حالتی است که امکان انجام عمل توسط ثالث وجود ندارد. لذا نحوه الزام متعهد را به ماده‌ی ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق ارجاع داده‌است. حال پرسش این است که با توجه به تصویب ق.آ.د.م ۱۳۷۹ و عدم بیان حکم مشابه ماده‌ی ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق در قانون جدید، الزام متعهد در تعهدات قائم به شخص امکان پذیر است یا آنکه قرارداد منتفی شده و تنها مطالبه خسارت ممکن است؟ آیا ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ به عنوان مکمل حکم ماده ۷۲۹ در نظام حقوقی حاضر جایگاهی دارد؟ بررسی دقیق این موضوع به جهت جلوگیری از تشتت آرا، برمبنای رویه قضایی مخصوصاً شیوه به کار گرفته در واحدهای اجرای احکام از جهت تحقق عدالت، ضروری به نظر می‌رسد. به همین منظور، پژوهش حاضر با بررسی کتاب‌ها و مقالات مرتبط

[۱] ماده ۴۷: «هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم‌له می‌تواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجراء از محکوم علیه مطالبه نماید. در هریک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است.

تبصره- در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد.»

از این به بعد در این پژوهش به جای قانون اجرای احکام مدنی از علامت اختصاری ق.ا.ا.م استفاده می‌شود.

و همچنین جمع‌آوری نظریه‌های مشورتی، نشست‌های قضایی و آرای مرتبط تا جایی که امکان دسترسی وجود داشت؛ در صدد بیان ماهیت و وضعیت نظام حقوقی ایران در خصوص جریمه مدنی و وضعیت حال نظام حقوقی ایران در خصوص جایگاه تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م است.

در این پژوهش در بخش اول، مفاهیم و مبانی نظری و در بخش دوم وضعیت نظام حقوقی ایران نسبت به ضمانت اجرا تعهدات قائم به شخص مورد تبیین قرار گرفته‌است.

۱- مفاهیم و مبانی نظری

بحث حاضر در قالب دو فصل ارائه می‌شود. در فصل اول مفهوم تعهد و اقسام آن و در فصل دوم وضعیت ارجاع یا احاله در قوانین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱/۱- مفهوم تعهد و اقسام آن

در بدو امر لازم است که به منشا اصلی موضوع که بازشناسایی مفهوم تعهد است پرداخته شود و در ادامه اقسام تعهدات مرتبط با این پژوهش بیان گردد.

۱/۱/۱- مفهوم تعهد

در خصوص معنی لغوی واژه‌ی مذکور در فرهنگ‌های لغات عربی، معانی مختلفی به این شرح بیان شده‌است: حفاظ و نگهداری، امان، سوگند، ذمه، وصیت (جوهری، ۱۴۱۰ ه ق، ج۲، ۵۱۵[۱]- ابو الحسین، ۱۴۰۴ ه ق، ج۴، ۱۶۷- ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج۳، ۳۱۳- فیومی، ۷۷۰ هـ ق، ج۲، ۴۲۵- طریحی، ۱۴۱۶ ه ق، ج۳، ص ۱۱۴[۲]- واسطی۱۴۱۴ ه ق، ج۵، ۱۴۴). در فرهنگ‌های لغت فارسی نیز تعهد در همین معانی مذکور بیان شده‌است، به طور مثال: به عهده گرفتن، نگاه داشتن، عهد بستن (معین، ۱۳۸۸، ۴۴۳)، به گردن گرفتن، پایبندی (دهخدا، ۱۳۷۳، ج۱۰: ۱۴۵۱۰)، میثاق، پیمان، سوگند (عمید، ۱۳۸۲، ۵۹۱)

تعهد در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «رابطه‌ی حقوقی که به موجب آن شخصی در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود، خواه سبب ایجاد

---

[۱]- العَهْدُ: الأمانُ، و اليمينُ، و الموثقُ، و الذمّةُ، و الحِفاظُ، و الوصيةُ.

[۲]- العهد يكون بمعنى اليمين و الأمان و الذمة و الحِفاظ و رعاية الحرمة و الوصية.

آن رابطه عقد باشد یا ایقاع یا الزام قهری» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۷۱). در تعریفی مشابه «تعهد رابطه‌ای است حقوقی که نتیجه‌ی آن، انتقال مال (اعم از پول یا کالا) یا انجام دادن فعل یا ترک فعل معین یا اسقاط یک اثر حقوقی باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ : ۷۵۹- جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ج۲: ۱۳۰۳). باید یادآور شد که اسباب ایجاد تعهد در حقوق غربی عقد، قانون، شبه‌عقد، جرم و یا شبه‌جرم است (امامی، ۱۳۹۱، ج۱: ۳۷۱- ۳۷۳)، لیکن در حقوق ایران در یک تقسیم‌بندی کلی، منابع تعهد اعمال و وقایع حقوقی است.

۲/۱/۱- اقسام تعهد

تعهد به اعتبارات مختلفی مورد تقسیم‌بندی قرار گرفته‌است. یکی از اولین تقسیم‌بندی‌ها ریشه در ماده ۱۴۰ ق.م دارد. در این ماده تعهد در کنار عقد به عنوان یکی از اسباب تملک شناسایی شده‌است. شناخت تعهدات جز از طریق تقسیم‌بندی‌های مختلف امکان ندارد چراکه دامنه تعهدات وسیع است و هریک از تقسیمات از دریچه‌ای باعث کمک به شناخت بهتر تعهدات و حل مسائل حقوق می‌شود به صورت کلی، می‌توان تعهدات را از حیث منابع ایجاد کننده به عمل و واقعه حقوقی، از حیث هدف به تعهد اصلی و تبعی، از حیث موضوع به تعهد به انجام و خودداری از انجام کار و تعهد به تملیک مال، از حیث متعهدله تعهد قابل انتقال و تعهد غیرقابل انتقال و از حیث متعهدعلیه به تعهد قائم به شخص و تعهد غیرقائم به شخص تقسیم نمود.

در پژوهش حاضر، بررسی تعهدات از جنبه متعهدعلیه است. اگرچه در بادی امر، موضوع ساده‌ای به‌نظر می‌رسد اما در ادبیات حقوقی ایران کمتر بدان پرداخته شده‌است و از همه مهمتر باید گفت که این موضوع شاید از مسائلی باشد که ضمانت اجرای آن با تغییراتی که در ق.آ.د.م به عمل آمد، باعث شده اختلاف نظرهایی مابین حقوق‌دانان ایجاد شود. از طرفی باید دید این موضوع در رویه قضایی چگونه است. باید یادآور شد که باتوجه به تقسیمات ارائه شده از تعهدات، مراد آن قسم از تعهداتی است که موضوع آن تعهدات غیرقائم به شخص و تعهدات قائم به شخص است.

۱/۲/۱/۱- تعهدات غیرقائم به شخص

تعهدات غیرقائم به شخص، تعهداتی است که به هنگام پیدایش ارتباط به شخص

موردنظر طرفین قرارداد نداشته باشد. اقتضای اصلی تعهدات، غیرقائم به شخص بودن است چراکه در این قسم تعهدات اتصال به وجود یکی از طرفین قیدی زیادی است که باید اثبات شود. در واقع این قسم تعهدات به دلیل اینکه مابین مردم بیشتر رواج داشته‌است و هدف اصلی تعهدات این است که متعهدله به موضوع تعهد دست پیدا کند و طریقه رسیدن به این موضوع برای متعهدله در غالب موارد موضوعیت ندارد، به عنوان اصل شناخته می-شود. به همین جهت در تعهدات اصل بر قائم به شخص نبودن است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۸۳۰) بنابراین قائم به شخص بودن یک تعهد محتاج به دلیل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). در این نوع از تعهدات، انجام تعهد توسط متعهد موضوعیت ندارد، بلکه طریقیت دارد. در نتیجه، در این قبیل تعهدات، همان‌گونه که ق.م نیز بیان کرده‌است، در صورت عدم ایفای ارادی تعهد توسط متعهد، در وهله اول بنابر مواد ۲۱۹ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ و ۲۴۰ ق.م، دادگاه به تقاضای متعهدله، متعهد را به ایفای تعهد ملزم می‌کند. بنابراین، در حقوق ایران اصل بر اجرای عین تعهد است و تا وقتی که اجرای عین تعهد ممکن باشد، نوبت به سایر روش‌ها نمی‌رسد (صفایی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). در وهله دوم، در صورت استنکاف متعهد از انجام تعهد و امکان اجرای تعهد توسط ثالث، دادگاه می‌تواند اجرای تعهد را به هزینه متعهد به ثالث واگذار نماید. در وهله سوم، درصورتی که انجام هیچ یک از موارد مذکور ممکن نباشد، برای متعهدله حق فسخ قرارداد و مطالبه خسارت ایجاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

۲/۲/۱/۱- تعهدات قائم به شخص

در معنی لغوی و ریشه‌شناسی واژه قائم به شخص، منشأ مفهوم قائم به شخص نامعلوم است. این لغت لاتین است، از نظر ریشه‌شناسی، قائم به شخص از واژه‌ی لاتین «تیور» برابر فعل «در نظر گرفتن، ملاحظه کردن» فرانسه است. اصطلاح لاتین «قائم به شخص» از نظر ادبی به معنای «در نظر گرفتن دقیق شخص» آمده‌است. قائم به شخص،

همچنین به معنای «وابسته به شخص»[۱]، «بر حسب شخص»[۲] معنی شده‌است (بیگدلی، اصانلو، ۱۴۰۳: ۱۸۴). در تعریف حقوقی بیان شده‌است: تعهداتی هستند که شخصیت متعهد در انجام تعهد موثر بوده و اجرای تعهد خصلتی منحصراً شخصی داشته و به دلیل ماهیت تعهد، فقط قابل انجام توسط شخص متعهد است و شخص دیگری نمی‌تواند از جانب متعهد ایفا نماید (فصیح‌زاده، طاهری، ۱۴۰۱: ۲۱۵). هر تعهدی که به شخص متعهد یا متعهدله بستگی داشته باشد تعهد قائم به شخص است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۷۹) در واقع در تعهدات قائم به شخص، بنا بر ذات تعهد یا بر مبنای قرارداد و توافق طرفین ایفا و اجرای تعهد باید تنها از سوی طرفین عقد واقع گردد؛ بر مبنای همین تعریف تعهدات قائم به شخص را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱- تعهد قائم به شخصِ متعهد؛ مانند تعهد نقاش مشهور به کشیدن یک تابلوی نقاشی.

۲- تعهد قائم به شخصِ متعهدله؛ یعنی جنبه‌ی مثبت تعهد، قائم به شخص متعهدله است مانند حق عمری، رقبی و سکنی که قائم به شخص متعهدله است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۷۹)

۳- تعهد قائم به شخصِ متعهدبه که منظور این است که تعهد قائم به شخص متعهد و متعهدله نباشد مانند تعهد در موردی که مبیع، کلی در معین باشد که باید تعهد تنها از محل همان عین کلی ایفا شود. در این حالت تعهد قابل ضمان ناست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۸۳۵). البته به‌نظر می‌رسد به جای «شخص» باید گفت تعهد قائم به موضوع خود تعهد است و آوردن وصف شخص، برای موضوعِ تعهد زیاد صحیح به نظر نمی‌آید.

موضوع بحثی که ارتباط به این پژوهش دارد از قسم اول است که ذات تعهد قابل اجرا از سوی تنها یک فرد است و یا اگر موضوع تعهد از سوی افراد دیگری قابل اجرا باشد توافق طرفین بر این است که این تعهد تنها از سوی متعهدعلیه واقع شود و انجام تعهد از سوی

---

[۱] Attaché à la personne

[۲] En fonction de la personne

سایر افراد برای طرفین مطلوب نبوده و با توافق ایشان در تضاد است.

۱/۱/۲/۲/۱- انواع تعهد قائم به شخص

تعهدات نظر به گستردگی در موضوع و طرفین، اگر هم تقسیم‌بندی شوند ممکن است در هر دسته بر حسب موضوع تعهد یا قصد طرفین دارای تقسیماتی باشند. تعهدات قائم به شخص نیز از این قسم هستند. اگرچه در تعهدات قائم به شخص علت اصلی تعهد شخصیت متعهد است (بدین سبب که موضوع تعهد تنها به دلیل قابلیت‌های متعهد از عهده او بر می‌آید)، اما در برخی موارد صرف نظر از موضوع تعهد خود متعهد در نظر متعهدله به دلایل شخصی مورد توجه است. از همین منظر می‌توان تقسیمات ذیل را در خصوص تعهدات قائم به شخص ارائه نمود.

۱/۱/۲/۲/۱/۱- تعهدات قائم به شخص ارادی

در تعهدات قائم به شخص متعهدله در زمان و مرحله سنجش، این موضوع را مورد تحلیل قرار می‌دهد که اگر تعهد را شخص متعهد انجام دهد با ویژگی‌هایی که از ایشان سراغ دارد چه نتیجه‌ای برای او به‌دست می‌آید و در غیر این‌صورت، آیا می‌تواند از طریق قانونی متعهدعلیه را به تعهد مجبور نماید و یا خسارت عدم انجام تعهد را از او مطالبه و تعهد را از سوی فرد دیگری به اجرا در آورد؛ یا آنکه ترجیح می‌دهد که تنها متعهد این تعهد را ایفا کند. لذا انجام تعهد را در مرحله سنجش به صورت قائم به شخص ارزیابی می‌کند و به جای اینکه به دنبال خسارت عدم انجام تعهد و هزینه تعهد از مال متعهدعلیه باشد ترجیح می‌دهد تنها متعهدعلیه برای او این کار را انجام دهد. بدین ترتیب به انعقاد تعهد رضا پیدا می‌کند و تصمیم به انعقاد قرارداد می‌گیرد و وارد مرحله اجرا می‌شود. ماده ۴۷۶ ق.م[1] به‌عنوان مصداقی از این نوع تعهدات معرفی شده‌است. باید یادآور شد که تعهدات قائم به شخص از این نوع ممکن است به طور خاص پیش‌بینی نشده باشد، اما به صورت ضمنی از مفاد قرارداد یا اوضاع و احوال حاکم بر آن یا شرطی خاص از شروط مندرج در

[1] – ماده ۴۷۶: «موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار مستأجر خیار فسخ دارد.»

قرارداد استنباط شود. از این رو، در صورت بروز اختلاف، دادرس می‌تواند با تحلیل اوضاع و احوال انعقاد عمل حقوقی، مفاد قرارداد، ساختار کلی آن، حرفه طرفین و سایر عناصر مرتبط با شخصیت متعاقدین تصمیم بگیرد (بیگدلی، اصانلو، ۱۴۰۳: ۱۸۸).

۲/۱/۲/۲/۱/۱- تعهدات قائم به شخص ذاتی

در تعهدات قائم به شخص ذاتی در واقع هیچ فرد دیگری امکان اجرای تعهد را جز متعهد نخواهد داشت و در عالم واقع هیچ فرد دیگری وجود ندارد که بتواند تعهد را اجرا نماید. مثال معروفی که در این خصوص می‌زنند تعهد به ترسیم نقاشی از سوی نقاشی معروف است. مثال دیگر این است که فرض شود فردی قصد دارد برای جفت‌گیری با اسب خود برای مدتی اسبی برنده تور اسب‌سواری بندر ترکمن در سال ۱۴۰۴ را داشته باشد. در این راستا اقدام به انعقاد قرارداد با صاحب این اسب می‌کند. در این مثال طرف قرارداد مهم نیست بلکه موضوع قرارداد یعنی اسب برنده تور ترکمن، مهم است و اجرای تعهد جز توسط مالک اسب ممکن نیست. لذا در صورت عدم انجام قرارداد فرد ثالثی نمی‌تواند به جای او این تعهد را به اجرا در آورد.

در واقع تفاوت تعهدات قائم به شخص ذاتی با تعهد قائم به شخص ارادی، در این است که در تعهدات قائم به شخص ارادی انجام تعهد از سوی ثالث برای متعهدله مطلوبیت نخواهد داشت، اما در تعهدات قائم به شخص ذاتی انجام تعهد از سوی ثالث امکان نخواهد داشت. در مقام نتیجه باید گفت در تعهدات قائم به شخص ذاتی ممکن است یا خود طرف تعهد دارای توانایی باشد که فرد دیگری این توانایی را در انجام عمل ندارد یا آنکه دارای مالکیت بر مال قیمی است و همین امر باعث می‌شود فرد دیگری توانایی اجرای تعهد را نداشته باشد و همین مال قیمی است که در اجرای تعهد باید مورد استفاده قرار گیرد.

۲- ضمانت اجراهای تعهد قائم به شخص

سه نوع ضمانت اجرای کلی در معنی اخص در تعهدات قائم به شخص وجود دارد که شامل ضمانت اجرا الزام متعهد به اجرای قرارداد، پایان دادن به قرارداد از طریق قانونی یا همان فسخ قرارداد و دیگری انتفای قرارداد است. در معنای اعم ضمانت اجرای دیگری در

صورت اشتباه در شخص قرارداد که در ماده ۲۰۱ ق.م بیان شده‌است نیز وجود دارد و آن بطلان است. قابل ذکر است که این ضمانت اجرا ناظر به بطلان قرارداد است نه صحت قرارداد در زمان انعقاد قرارداد. لذا الزام به اجرا، پایان قرارداد از طریق قانونی، انتفا و بطلان را می‌توان به عنوان ضمانت اجراهای قرارداد در معنی اعم برشمرد.

۲/۱- انتفای تعهد قائم به شخص

در تعهدات قائم به شخص اعم از تعهدات قائم به شخص قراردادی و ذاتی، اگر یکی از عناصر اصلی یعنی متعهد یا موضوع تعهد از بین برود، ضمانت اجرای این حالت‌ها به صورت صریح در قانون مدنی ایران یافت نمی‌شود. در نظام حقوقی فرانسه نیز این کمبود در قبل از اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی وجود داشت، لذا از جهت جبران نقصی که در قانون احساس می‌شد بر مبنای نظریات دکترین حقوقی و آرای محاکم، در بازنگری انجام شده ماده ۱۱۸۶ مورد تصویب قرار گرفت. در این ماده بیان شده‌است: «در صورت از بین رفتن یکی از عناصر اساسی قراردادی که به صورت صحیح معتبر تشکیل شده‌است، آن قرارداد منتفی می‌شود...» (پاکباز، ۱۴۰۰، ۲۲۴). کلمه « caducité» در زبان فرانسه به معنای بی‌اعتباری، زوال، یا فساد به فارسی قابل ترجمه است. اینکه این واژه در نظام حقوقی ما معادل چه نهادی است، مورد اختلاف است. برخی این واژه را معادل «**انتفا**» (موسوی، اصانلو، ۱۴۰۱: ۲۵۴- پاکباز، ۱۴۰۰، ۲۲۴)، برخی دیگر «ا نحلال» (حسن‌زاده، ۱۴۰۰، ۱۴۰) و برخی نیز «ابطال» (بزرگمهر، مهرانی، ۱۳۹۵، ۴۸) دانسته‌اند.

در حقوق ایران برخی استادان در حالتی که اجرای تعهد ناممکن گردد از نهاد انفساخ استفاده کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). برخی دیگر نیز بر این باورند بعد از وقوع عقد به نحو صحیح، اگر به جهت وقوع علت خارجی، اجرای تعهد بعضاً یا کلاً متعذر گردد، تعذر اجرای قرارداد ایجاد می‌گردد. این عده ضمانت اجرای آن را منطبق بر ماده ۲۴۰ ق.م دانسته و بیان کرده‌اند که این موضوع در فقه منطبق بر خیار تعذر تسلیم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۴۰). البته در نظام حقوقی ایران ماهیت‌های دیگری نیز برای توجیه

این وضعیت همچون فسخ آتیه‌ای، فسخ خودبه‌خودی قرارداد، انحلال، فسخ قهقرایی، انحلال و زوال قرارداد بیان شده‌است (بیگدلی، اصانلو، ۱۴۰۳: ۱۸۲). لیکن به نظر می‌رسد ترجمه دقیق فارسی کلمه « caducité»، زوال، انحلال و انتفا باشد. در فرهنگ حقوقی ما معادلی همچون «انفساخ قهری» بیشتر قابل پذیرش است.

۲/۲- فسخ قرارداد به دلیل عدم اجرای اختیاری

در خصوص اینکه در تعهدات قائم به شخص حق فسخ به وجود می‌آید یا خیر، قانون‌گذار در ماده ۲۳۹ ق.م به صراحت بیان کرده‌است که «هرگاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت». باتوجه به تصویب ق.م در سال ۱۳۰۷ و تصویب ق.آ.د.م در سال ۱۳۱۸ می‌توان گفت که در آن زمان به دلیل اینکه تعهدات قائم به شخص جز به اختیار متعهد قابل اجرا نبود، این تعهدات قابلیت الزام را نداشت و یا اگر الزام می‌گردید و متعهد به میل خود اقدام به اجرا نمی‌نمود، ضمانت اجرا تنها فسخ قرارداد بود. باید یادآور شد در فاصله تصویب این دو قانون برای متعهدله این اختیار وجود داشت که بلافاصله با عدم انجام تعهد، اقدام به طرح دعوای فسخ نماید. اما با تصویب ق.آ.د.م ۱۳۱۸ و وجود مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ باید گفت دیگر راهکار فسخ ابتدائی قابل تصور نبوده و در راستای قاعده اجرای عین تعهد، متعهد باید دعوای الزام طرح می‌نمود و قاضی با صدور حکم با ابزار جریمه مدنی سعی در درهم شکستن مقاوت متعهد می‌کرد و اگر این سعی به نتیجه نمی‌رسید بر مبنای ماده ۲۳۹ ق.م فسخ قرارداد را مطالبه می‌کرد یا همان‌گونه که لنگرودی گفته‌است بر مبنای خیار تعذر تسلیم، فسخ قرارداد را به عمل می‌آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۴۰).

۲/۳- جریمه مدنی

جریمه مدنی نهادی است که در حقوق فرانسه «Astreinte» نامیده می‌شود. در نظام حقوقی ایران برخی این نهاد را به نام «جریمه اجبار» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج۳: ۱۷۷) و برخی با عنوان تعزیرات غیرکیفری (محقق‌داماد، حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۵) نام‌گذاری

کرده‌اند. از این نهاد حتی با عناوین «اجبار مالی»، «جریمهٔ مالی» و «وجه التزام» نیز یاد می‌شود. (محمدی، کریمی، ۱۴۰۳: ۷) این نهاد بدواً در قانون فرانسه جایگاهی نداشته بلکه ابتدا از رویه قضایی به ویژه دیوان عالی کشور فرانسه شروع شده و سپس به قانون تبدیل گردید و در قوانین مختلف از جمله ق.آ.د.م، ق.ا.ا.م و قانون کار مورد تصویب قرار گرفت (حسین آبادی، ۱۳۹۵: ۴۳). همچنین آنکه در ادبیات حقوقی افغانستان با اقتباس از مادهٔ ۸۲۴ قانون مدنی این کشور، عنوان «تهدید به غرامت» پیرامون جریمهٔ مدنی به کار برده می‌شود. (محمدی، کریمی، ۱۴۰۳: ۷) جریمه مدنی برگرفته از واژه‌ی لاتین «Adstringo» به مفهوم «مجبور کردن» است. تعریفی که از این نهاد در حقوق فرانسه به عمل آمده‌است، آن را محکومیتی مالی تلقی کرده که توسط قاضی و به تبع محکومیت اصلی متعهدی که از انجام تعهد خویش استنکاف می‌نماید، با هدف شکستن مقاومت وی در برابر اجرای حکم، مقرر می‌گردد. همچنین این محکومیت روشی برای تحت فشار قرار دادن بدهکار بوده که در قالب تعیین مبلغی به ازای هر روز یا هر ماه تأخیر در اجرای حکم تعیین شده و از جانب متعهد به طلبه‌کار پرداخت می‌گردد. هدف از آن، تضمین اجرای حکم دادگاه است (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۶۴). در واقع می‌توان گفت جریمه مدنی مهمترین ضمانت اجرا در تعهدات قائم به شخص است. این تعریف اخص از جریمه مدنی است. در تعریف اعم از جریمه بیان شده‌است: «...سزای متخلف در حقوق مدنی و شبه‌مدنی است. سه صورت از آن معروف است. اول، خسارت تأخیر تأدیه که قانون معین کرده‌است. دوم، وجه التزام تخلف از قرارداد که قانون معین کرده‌است. سوم، ممنوعیت ثبت معاملات املاکی که مالکان تقاضای ثبت را مطرح ننموده‌اند (ماده ۱۲ قانون ثبت) با تتبع می‌توان مصادیق دیگر جریمه مدنی را یافت مانند تفرقه ابدان در باب حج» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ج۲: ۱۵۴۵).

۲/۳/۱- بررسی تطبیقی جریمه مدنی در نظام‌های حقوقی

مطالعه تطبیقی از یک جهت تفاسیر و راه حل‌های متفاوتی برای درک بهتر مفاهیم حقوقی نشان می‌دهد. از جهت دیگر با روشن نمودن کاستی‌ها و یا برتری‌های حقوق

داخلی نسبت به حقوق خارجی، فرصتی برای اصلاح فراهم می‌کند. (جنیدی، راضی، ۱۴۰۳: ۶) بر همین اساس نهاد جریمه مدنی به صورت تطبیقی در نظام‌های حقوقی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که بیان شد جریمه مدنی ابتکاری بوده که از بستر رویه قضایی سر برآورده و پیشینه‌ای در نظام حقوقی روم باستان نداشته‌است. در روم باستان محکوم‌علیه برده محکوم‌له بوده و با برده گرفتن یا زندانی نمودن سعی بر این می‌گشت تا او را ملزم به اجرای تعهد نمایند. با تحولاتی که در نظام‌های حقوقی به وجود آمد و زندانی کردن محکوم‌علیه خلاف کرامت انسانی دانسته شد، در تعهدات غیرقائم به شخص معمولاً دارایی فرد پشتوانه مناسبی برای دریافت خسارت یا برداشت وجه برای انجام تعهد از سوی فرد دیگری به حساب می‌آید، اما در تعهدات قائم به شخص این پشتوانه وجود نداشته و در راستای اصل اجرای عین تعهد که منطبق بر منافع طلبه‌کار است، نظام-های حقوقی، به ابداع روش‌های مختلف دست زده‌اند که این روش‌ها، بر مبنای تمایل دادگاه با نیازی که محکمه در اجرای آرای خود تشخیص دهد، شامل مواردی مانند زندانی کردن بدهکار، جریمه مدنی یا مجازات مربوط به اخلال در نظم دادگاه می‌شود.[۱] (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۷۹) این راهکارها تضمینی در جهت اجرای عین تعهد در تعهدات قائم به شخص یا تعهدات غیرمالی است. البته مسلم است این راهکارها، به دلیل ماهیت قضایی و اجرایی در بستر زمان دچار تحولاتی نیز شده‌اند. باید گفته شود که چون نظام-های حقوقی مکاتب مختلفی دارند و فلسفه خاصی را پیگیری می‌کنند، استفاده این نظام-ها از جریمه مدنی در قالب‌های متفاوت و با اسامی مختلف و تفاوت‌های شکلی و ماهوی بوده‌است (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۴۰۳). این موضوع اثبات می‌کند جریمه مدنی یک راهکار مبتنی بر قاعده‌ای عقلی و با هدف اجرای عدالت است که در ذیل، نظام‌های حقوقی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲/۳/۲- نظام‌های حقوقی نوشته شده (رومی- ژرمنی)

در نظام‌های حقوقی نوشته، نظام حقوقی فرانسه و آلمان نظام‌هایی هستند که سایر نظام‌های مرتبط، از این دو نظام تأثیر پذیرفته‌اند. لذا باید این دو نظام را به صورت ویژه مورد

[۱] contempt of court

بررسی قرار داد و به سایر نظام‌ها نیز نگاهی گذرا نمود.

۲/۳/۲/۱- نظام حقوقی فرانسه

همان‌گونه که بیان شد جریمه مدنی به منظور پرکردن خلا ناشی از حذف ضمانت اجرای اجبارهای بدنی همچون زندان از اوایل قرن ۱۹ در حقوق فرانسه و از طریق رویه‌ی قضایی با رأی دیوان عالی کشور در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۵۹ وارد نظام حقوقی این کشور گردید. این در صورتی بوده که در قوانین موضوعه‌ی فرانسه نص قانونی در این خصوص وجود نداشت (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۶۵- حسین‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۳). بعدها با قانون شماره ۶۲۶-۷۲ این ماهیت حقوقی مورد پذیرش قرار گرفت که قانون جدید اجرای احکام یا قانون شماره ۶۵۰-۹۱ که ناسخ قانون ۶۲۶-۷۲ بود قواعد جدیدی را در مواد ۳۳ تا ۳۷ در مورد جریمه مدنی به سبک قبل عرضه نمود. این قانون یک سال بعد به موجب فرمان شماره ۷۵۵-۹۲ در مواد ۵۱ تا ۵۳ در خصوص جریمه مدنی تکمیل شد. قوانین مذکور در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ نسخ گردید. هم اکنون با توجه به اصلاحات ۲۰۱۶ ق.م فرانسه در ماده ۱۰، مواد اِل. ۱-۱۳۱ تا ۴-۱۳۱، اِل. ۱-۴۲۱ تا اِل. ۲-۴۲۱ و آر. ۱۳۱ ق.ا.ا.م فرانسه مستندات قانونی جریمه مدنی است (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۸۷ - ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۶۶).

در حقوق فرانسه دو نوع جریمه مدنی مورد شناسایی قرار گرفته‌است. جریمه مدنی موقت و جریمه مدنی مقطوع (دائمی/ ثابت/ غیرقابل تغییر) (حسین‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۳). جریمه مدنی موقت، نامعین است و میزان آن بر مبنای نظر قاضی مشخص می‌گردد و این حق برای قاضی وجود دارد تا به تغییر و تعدیل آن بر مبنای شرایطی که پیش می‌آید، اقدام کند. همچنین ممکن است این جریمه بسته به نظر قاضی کلاً منتفی گردد. جریمه مدنی دائمی، قابل تغییر و تعدیل از سوی قاضی دادگاه نمی‌باشد. در صورت عدم تصریح به موقت یا دائمی بودن جریمه مدنی اصل بر موقت بودن جریمه مدنی است (حسین‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۳- ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۶۷). در حال حاضر در حقوق فرانسه کسی شک ندارد که جریمه مدنی ماهیتی متفاوت با خسارت دارد و قابلیت جمع این دو نهاد ممکن است. باید یادآور شد که نهاد جریمه مدنی قابل جبران از طریق بیمه نمی‌باشد(همان:

۶۸). در فرانسه برخی استادان به نام همچون ریپر و بولانژه بیان کرده‌اند این نهاد نوعی مجازات واقعی است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۶). نکته دیگر آنکه این نهاد در تعهدات قراردادی و غیرقراردادی نیز به‌کار گرفته می‌شود. همچنین باید توجه داشت اگرچه در حقوق فرانسه نهاد جریمه مدنی برای تعهدات قائم به شخص ایجاد شده بود و ارتباطی با تعهدات پولی نداشت اما در رویه‌ی قضایی فرانسه اختلاف‌هایی ایجاد شد که در حال حاضر دیگر اختلافی وجود ندارد و برای اجبار به تعهدات پولی نیز از این نهاد استفاده می‌شود (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۷۰).

۲/۳/۲/۲- نظام حقوق آلمان

جریمه مدنی در ماده ۸۸۸ ق.آ.د.م حقوق آلمان تصریح شده‌است (خورسندیان، محمدی‌بصیر، ۱۳۹۶: ۷۸). در خصوص انجام فعل‌هایی که در آن هیچ جایگزینی برای تعهد نیست و اجرای تعهد در مجموع وابسته به اراده مدیون است، دادگاه هر شخص ممتنع از ایفای تعهد را با اعمال جریمه تا میزان ۵۰ هزار مارک [سابق] آلمان (تقریباً ۲۱۹۰۰ دلار) مواجه می‌کند و اگر امکان اخذ این وجه نباشد با اعمال بازداشت اجباری به مدت حداکثر ۶ ماه سعی بر اجبار مدیون به ایفای تعهد دارد.[۱] همچنین درخصوص اجرای تعهدات مربوط به ترک فعل یا اذن به انجام امر، سخت‌گیری بیشتری به عمل می‌آید بدین نحو که مدیون برای هر مورد تخلف مجبور به پرداخت جریمه حداکثر به مبلغ ۵۰۰ هزار مارک آلمان (مبلغی حدود ۲۱۹ هزار دلار آمریکا) است و اگر امکان اخذ این مبلغ نباشد مدیون مستوجب یک بازداشت اجباری می‌شود که مدت آن برای هر بار بیشتر از ۶ ماه نخواهد بود و در صورت تکرار مجموع دوره‌ی بازداشت او از ۲ سال افزون نمی‌گردد.[۲] قوانین اتریش و سوئیس تفاوت چندانی با آلمان ندارد. بدین نحو که در اتریش، هر دو مورد مذکور ۸۰ هزار شلینگ (حدود ۵ هزار دلار آمریکا) کمتر از آلمان است. مدت بازداشت اجباری هم

[۱] جریمه‌ی اجباری: Zwangsgeld

[۲] جریمه‌ی دستوری: Ordnungsgeld

کوتاه‌تر است (۲ ماه و مجموعاً ۱ سال).[۱] در قانون سوئیس جریمه‌ها خیلی پایین‌تر است. علاوه بر آن قاضی اجازه دارد تا در انتخاب مجازات، ترکیبی از مجازات‌ها را انتخاب کند. (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۸۰-۳۸۵). نظام حقوقی بلژیک اگرچه به‌نظر می‌رسد باید نزدیک به حقوق فرانسه باشد اما در این خصوص هیچ تردیدی وجود ندارد که مبنای قواعد خود را در این مورد از حقوق آلمان اخذ نموده‌است و فاصله زیادی با حقوق فرانسه دارد. در بلژیک این جریمه صرفاً مقطوع و اعمال آن در دعاوی مالی صریحاً ممنوع است. همچنین، زمان درخواست آن نباید بیش از ۶ ماه از تاریخ سررسید، باشد (همان: ۳۹۰).

۲٫۳٫۳- نظام‌های حقوقی عرفی (کامن‌لا)

اگرچه مهد و زادگاه نظام کامن‌لا برگرفته از حقوق انگلستان است، اما در حال حاضر نظام حقوقی آمریکا و قضات آن نقش مهمی را در نظام کامن‌لا ایفا می‌کنند. در خصوص جریمه مدنی اگرچه می‌شود این دو نظام را جداگانه مطالعه کرد اما به لحاظ جلوگیری از تطویل کلام و مشابهت آن‌ها به نظام حقوقی انگلیس پرداخته می‌شود. در حقوق انگلستان اجرای هر رأی دادگاه و قرار قضایی به عنوان موضوعی که دارای منافع عمومی است، در نظر گرفته می‌شود. از همین منظر عدم اجرای رأی را با ماهیت اخلال در نظم دادگاه (اهانت به دادگاه) توجیه می‌کنند. اهانت به دادگاه در نظام حقوقی انگلستان موضوعی پذیرفته با رویه‌های مشخص بود اما به دلیل اهمیت آن، قانون اهانت به دادگاه (اخلال در نظم دادگاه) در سال ۱۹۷۱ به تصویب پارلمان رسید (مهرا و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۰۱). توضیح آنکه توهین به دادگاه به اخلال کیفری[۲] و اخلال مدنی[۳] تقسیم می‌شود. اخلال مدنی، اخلالی در آیین دادرسی است و شامل سرپیچی از اجرای آرا، قرارها و روند رسیدگی دادگاه می‌شود و پرداخت خسارت را برای شخص به همراه دارد (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۹۶). به موجب ماده ۲ قانون اهانت به دادگاه ۱۹۷۱ تمامی آرای حقوقی مشمول اخلال مدنی است (مهرا و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۰۵). برای اینکه اخلال مدنی مقرر گردد، باید در حکم یا

[۱] – قانون توقیف اموال اتریش مواد ۳۵۴، ۳۵۹ و ۳۶۱ پاراگراف ۱

[۲] criminal contempt

[۳] civil contempt

قرار مربوط به آن زمانی تعیین شده باشد. این مورد بیشتردر قالب امر به انجام کاری یا امتناع از آن مطرح می‌گردد. مجازات اصلی اخلال حبس است اما با توجه به احکام مالی صادره از دیوان عالی اساساً صدور حکم به حبس کم کاربردتر است. نکته‌ی دیگر آن که اخلال مدنی روشی برای توسل به آخرین راه چاره‌است و اگر امکان جبران خسارت از راه دیگری میسر باشد، قابل استفاده نیست (همان: ۵۰۹). از سویی امکان جبران خسارت در غالب موارد مصداق پیدا می‌کند مگر مواردی که تعهد انجام یا امتناع از انجام فعلی باشد (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۹۵-۴۰۰).

۲/۳/۴- نظام حقوقی اسلامی

در نظام حقوقی اسلامی در خصوص جریمه مدنی در میان فقها و حقوق‌دانان چالش‌هایی وجود داشته‌است. اولین چالش در خصوص این نهاد ماهیت آن است. سوال آن است که اگر این نهاد، نهادی کیفری است، چرا تنها به سود شخص ذینفع بوده و چرا جریمه مدنی به خزانه واریز نمی‌شود و به محکوم‌له پرداخت می‌شود؟ (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۳۱) همین سئوالات باعث شده‌است بیان کنند که نباید جریمه مدنی را کیفر عدم اجرای تعهد یا حکم دانست (همان: ۱۲۵)، برخی از حقوق‌دانان به صراحت بیان کرده‌اند این ماهیت با ماهیت جریمه جزایی متفاوت است (شمس، ۱۳۹۷، ج۲: ۷۲۶).

دور از ذهن نیست که پرسش‌هایی نظیر موارد مذکور، باعث گردید شورای نگهبان در نامه‌ی شماره ۴۹۱۱ / ۲۱/ ۷۴ در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۸ درباره‌ی مواد ۵۰۹ و ۵۱۰ لایحه آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که در سال ۱۳۷۶ به مجلس رسیده بود و متضمن احکامی مشابه مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ قانون سابق بود، چنین اظهار نظر نماید: «مواد ۵۰۹ و ۵۱۰ که بیان می‌دارد در صورت عدم انجام تعهد در مدت تعیین شده توسط دادگاه، طرف باید روزانه مبلغی را علاوه بر اجرای حکم به عنوان تأخیر در انجام تعهد پرداخت کند، خلاف موازین شرع است» (محمدی، کریمی، ۱۴۰۳: ۲۲۰). عده‌ای با توجه به اینکه جریمه مدنی در برخی از قوانین را مشاهده کرده‌اند، این موارد را به عنوان حکم حکومتی برای جلوگیری از اخلال نظام اقتصادی، دانسته‌اند (خورسندیان، شراعی،

۱۳۹۶: ۲۱۶). اما باید عنوان کرد که این تفسیرها نباید باعث شود اندیشه خلاف شرع بودن جریمه مدنی یا استثنائی بودن آن ایجاد شود، چراکه در خصوص جریمه مدنی تحقیقاتی به صورت مبسوط در حقوق اسلامی به عمل آمده است و مشخص گردیده که این نهاد در فقه دارای ریشه‌ای عمیق است که با عنوان تعزیرات غیرکیفری قابل بازشناسی است. پرداخت مبلغ جریمه به متعهدله به جای صندوق بیت‌المال امری غیرعادی نمی‌باشد و ریشه فقهی نیز دارد و جریمه مدنی (یا تعزیرات غیرکیفری) به عنوان نظریه‌ی عمومی قابل بازشناسی است (محقق داماد، حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۷).

نتیجه‌ای که از تحقیقات مذکور به دست آمده بدین شرح است که ماهیت جریمه در نهادهای حقوق اسلامی مساوی است با ماهیت تعزیر در حقوق اسلامی، اگرچه برخی تنها مجازات تعزیری در فقه را شلاق دانسته‌اند. اما دلیل های ایشان قابل خدشه بوده و نظر صائب این بوده که مجازات‌های تعزیری دارای اقسام متفاوتی است ک یکی از این اقسام، مجازات مالی است و همین نظریه در قانون مجازات اسلامی ایران نیز پذیرفته شده‌است. باتوجه به تقسیم‌بندی افعال انسانی (احکام تکلیفی) به واجب، حرام، مباح، مستحب و مکروه، در خصوص قاعده‌ای که ملاک اعمال مجازات تعزیری باشد، فقها قاعده‌ی «التعزیر لکل محرم» را پذیرفته‌اند. قاعده‌ی مذکور در حوزه‌ی حقوق مدنی نیز ورود پیدا می‌کند چه آنکه در امور قراردادی با توجه به آیه «اوفوا بالعقود» متعهدعلیه در صورت عدم انجام تعهد مرتکب ترک واجب شده‌است که این ترک واجب عملی حرام است. از سوی دیگر در امور غیرقراردادی نیز با توجه به اینکه برابر قاعده «حرمت مال المسلم کحرمه دمه» اموال مردم محترم است و هرگونه تجاوز به اموال افراد، عملی حرام است؛ لذا در هر دو صورت فوق یعنی چه در امور قراردادی و چه در امور غیرقراردادی پس از ایجاد دین، مدیون باید از عهده دین ایجاد شده، بر آید. حال اگر فردی از عهده دین بر نیاید، مرتکب فعل حرامی گردیده، چراکه ادای دین واجب است. این موضوع باعث گردیده تا برخی از فقها فتوا دهند، در هر حقی در صورتی که متعهد از ادای حق امتناع کند، حاکم حق تعزیر دارد. به تبعیت از فقها برخی از حقوق‌دانان بیان کرده‌اند هر متعهدی که از انجام تعهد خود امتناع ورزد، قابل مجازات است. بارزترین نوع این تعزیر در مدیون مماطل، تجلی پیدا می‌کند که

در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی[۱] نیز قانون‌گذار برای آن مجازات تعزیری حبس را در نظر گرفته‌است. در فقه و قانون مصادیق دیگری از تعزیرات را در امور حقوقی می‌توان یافت. از طرفی با توجه به احادیث موجود و فتاوی به‌دست آمده هیچ منعی در پرداخت جزای نقدی به زیان دیده وجود ندارد. قانون‌گذار نیز در مواردی از این نهاد استفاده و اعلام نموده‌است که جزای نقدی باید به متضرر پرداخت شود. همچون ماده ۲۱ ق.ن.ا.م.م، ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث وسایل نقلیه و تبصره‌ی الحاقی به ماده ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمان‌ها که برای محکومیت به جزای نقدی در تعزیرات غیرکیفری (جریمه مدنی)، الزامی به ورود ضرر به متعهدله نمی‌باشد. با پرداخت جریمه مدنی در برخی از موارد متضرر می‌تواند خسارت را نیز مطالبه کند و جمع بین جریمه و خسارت ایرادی ندارد (محقق داماد، حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۷).

در واقع از نظر استاد محقق داماد نه تنها جریمه مدنی هیچ مخالفتی با شرع ندارد بلکه اولاً، جریمه مدنی در فقه یک نظریه عمومی است که در تمام موارد همچون امور قراردادی و غیرقراردادی قابل پذیرش است. ثانیاً، فرقی بین تعهداتی که انجام عمل، قائم به شخص یا غیرقائم به شخص باشد، وجود ندارد. ثالثاً، در امور مالی که تعهد از نوع پرداخت وجه نقد می‌شودنیز قابل پذیرش است. رابعاً، باتوجه به سایر قوانین که جریمه مدنی را شناسایی کرده، شورای نگهبان از نظریهسابق خود عدول نموده‌است. این نظریه از جهت گستردگی همچون نظام حقوقی فرانسه است.

از جهت استحکام و تحکیم موضوع در فقه اسلامی باید چند نمونه از فتاوی موجود را بیان کرد. مقام معظم رهبری در خصوص هزینه درمان مازاد بر دیه بیان کرده‌اند: «جانی اگرچه شرعاً ضامن هزینه‌ی درمان و خسارت از کار افتادگی مجنی‌علیه نیست ولی حاکم شرع اگر مقتضی و لازم بداند، می‌تواند او را از باب مجازات تعزیری به پرداخت مبالغی در

[۱] از این به بعد در این پژوهش به جای قانون نحوه اجرای احکام مدنی از علامت اختصاری ق.ن.ا.م.م استفاده می‌شود.

حق مجنی‌علیه محکوم نماید» (سوادکوهی،۹،۱۳۸۱).[1] همچنین در خصوص مدیون مماطل به بانک‌ها و تعزیر ایشان، سؤال و جوابی به این شرح وجود دارد: آیا دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط معینی می‌تواند به بانک‌ها اجازه دهد تا افراد غیرمعسر و متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع بانک تعزیر مالی کنند؛ چنانکه حکومت اسلامی و دستگاه قضا به پلیس راهنمایی و رانندگی مأموریت داده‌است که بر اساس قوانین و مقررات، راننده متخلف را جریمه و تعزیر مالی کنند؟

آیت‌اللّه موسوی اردبیلی: فی حد نفسه اشکال ندارد؛ ولی در مقام عمل چنین اختیاری به یک طرف قرارداد موجب سواستفاده خواهد شد. در فتوای دیگر نیز بیان می‌فرمایند: درصورتی که از اول برای تخلف از عمل به تعهد مثل عدم پرداخت قسط در زمان تعیین شده، جریمه در نظر گرفته نشده باشد، حاکم شرع می‌تواند برای متخلف غیرمعذور بر طبق مصلحت جریمه قرار دهد و اشکال ندارد که جریمه به نفع زیان‌دیده (متعهدله) یا دولت و تحت مسئولیت سازمان مشخصی قرار داده شود.

آیت اللّه مکارم شیرازی: در صورتی که حفظ مصلحت نظام چنین تعزیری را با چنین کیفیتی ایجاد کند منعی ندارد.

آیت اللّه علوی گرگانی: این راهکار از باب تعزیر حکومتی و حکم حاکم شرع صحیح است و مانعی شرعی ندارد (موسویان، ملاکریمی، ۱۳۹۵، ۲۴).[2]

بر مبنای جواب بیان شده از سوی آیت اللّه موسوی اردبیلی به وضوح مشخص می‌شود: اولاً، درصورت عدم ایفای تعهدات قراردادی، امکان تعزیر از نوع جزای نقدی وجود دارد. ثانیاً، پرداخت جزای نقدی به زیان دیده بلامانع است. ثالثاً، پرداخت جزای نقدی در تعهدات پولی نیز که قائم به شخص نیست، ایراد ندارد. در نتیجه به طریق اولی در تعهدات

[1] باتوجه به اینکه اصل این فتوا در طی تحقیق یافت نگردید به اصل منبع مشاهده شده به لحاظ رعایت اصول امانت داری ارجاع گردیده‌است.

[2] باتوجه به اینکه اصل این فتوا در طی تحقیق یافت نگردید به اصل منع مشاهده شده به لحاظ رعایت اصول امانت داری ارجاع گردیده‌است.

قائم به شخص نیز ایراد پیدا نمی‌کند. اگرچه دو فقیه دیگر صریحاً این مطلب را بیان نکرده‌اند، اما با توجه به سئوال و جواب ارائه گردیده، این مسئله را خالی از ایراد دانسته‌اند.

۳ - وضعیت نظام حقوقی ایران

وضعیت نظام حقوقی ایران را می‌شود به دو دوره قبل و بعد از انقلاب به دلیل تفاوت نگرش قانون‌گذار به قوانین اسلامی تقسیم‌بندی نمود.

۳/۱- قبل از انقلاب اسلامی

نظام تقنینی ایران در اوایل نهضت قانون‌نویسی بر مبنای تطبیق کامل با فقه اسلامی بنا شده بود. قانون مدنی مثال خوبی برای اثبات این مدعاست. به مرور تا قبل از انقلاب این مطلب کمرنگ‌تر می‌شود. در زمان تصویب ق.آ.د.م ۱۳۱۸ و سایر قوانینی که در آن زمان به تصویب رسید تطبیق با نظام اسلامی مسئله اصلی نویسندگان این قانون نبوده‌است. اما به این معنی نیست که آن قوانین غیراسلامی است. پیش از انقلاب دو نوع جریمه مدنی مورد تقسیم قرار گرفته بود. جریمه مدنی که به صورت خاص به تصویب رسیده‌اند و جریمه مدنی موضوع ق.آ.د.م ۱۳۱۸ که در خصوص تعهدات قائم به شخص است.

۳/۱/۱- جریمه مدنی قوانین خاص

برخی از استادان حقوق بیان کرده‌اند در حقوق ایران تنها یک نوع جریمه مدنی و از نوع موقت مورد پذیرش قرارگرفته‌است (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۷۵)، اینان تصور کرده‌اند که جریمه مدنی منحصر در قانون آیین‌دادرسی مدنی و تعهدات غیرپولی است در صورتی که استقرای ایشان ناقص بوده‌است، به طور مثال در بند ۹ ماده ۱۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۵۶ قانون‌گذار مقرر کرده بود مستأجری که اقدام به پرداخت اجاره‌بها در ظرف مهلت مقرر نکرده و موجر دادخواست تخلیه را از جهت عدم پرداخت اجاره‌بها مطرح و قبل از صدور رأی، مستأجر اقدام به پرداخت اجاره بها کند، دادگاه علاوه بر صدور قرار سقوط دعوی، مستأجر را تا صدی بیست اجاره‌بها به علاوه اجاره‌بها به موجر جریمه می کند.

مشخص است که این ماده از نوع جریمه مدنی مقطوع و از جهت تعهدات پولی غیرقائم به شخص است. این مورد مثالی است که جریمه مدنی در قبل از انقلاب منحصر به آیین دادرسی مدنی نبوده و حتی در تعهدات پولی نیز مورد تصویب قرار گرفته‌است.

۳/۱/۲- جریمه مدنی ق.آ.د.م ۱۳۱۸

در نظام حقوقی ایران مهمترین موادی که به عنوان قاعده کلی، جریمه مدنی را مورد شناسایی قرار داده‌اند مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق و تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م است. این مواد مقتبس از حقوق فرانسه است. بعد از انقلاب اسلامی و در بازنگری ق.آ.د.م، این مواد حذف و ماده‌ای جایگزین نگردید؛ لذا این توهم پیش می‌آید که حذف این مواد مساوی با حذف ماهیت جریمه مدنی از نظام حقوقی ایران به دلیل مخالفت با شرع است (که در سابق شرح موضع نظام اسلامی نسبت با جریمه مدنی بیان گردید). در حال حاضر، وضعیت نظام حقوقی ما در خصوص وجود ماهیت جریمه مدنی و نسخ مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق بحثی است که باید بدان پرداخته شود. البته لازمه‌ی این بحث شناخت بیشتر از جریمه مدنی در قانون سابق است.

در ماده ۷۲۹ در خصوص اجرای احکام قائم به شخص، قانون‌گذار بیان می‌کرد: «در موردي كه، موضوع تعهد عملي است كه انجام آن جز به وسيله شخص متعهد ممكن نيست دادگاه مي‌تواند به درخواست متعهدله در حكم راجع به اصل دعوي يا پس از صدور حكم مدت و مبلغي را معين نمايد كه اگر محكوم‌عليه مدلول حكم قطعي را در آن مدت اجرا نكند مبلغ مزبور را براي هر روز تأخير به محكوم‌له بپردازد»، همچنین در خصوص تجدیدنظر در نحوه اجرای حکم در ماده ۷۳۰ بیان شده بود: «دادگاه قبل یا بعد از اجرای حکم می‌تواند در مقدار مبلغی که قبلاً معین کرده‌است تجدیدنظر و مبلغ دیگری برای تأخیر اجرای حکم در زمان گذشتها آینده معین کند». در خصوص این مواد مطالبی به شرح ذیل را می‌توان بیان کرد

۳/۱/۲/۱- شرایط اعمال

اولین مطلبی که در خصوص ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق باید بیان شود این است که

همان‌گونه که در تقسیم تعهدات قائم به شخص بیان شد، تعهدات قائم به شخص به تعهدات قائم به شخص ذاتی و قراردادی قابل شناسایی است. برخی با لحاظ ماده ۲۶۸ ق.م از عبارت «جز به وسیله شخص متعهد ممکن نیست» این‌گونه برداشت کرده‌اند که باید تعهد را در این ماده منحصر در تعهدات قائم به شخص ذاتی دانست (موسوی، ۱۴۰۳، ج۱: ۳۹۹)، در جواب باید گفت همان‌گونه که بیان شده، قرارداد قانون طرفین است. در صورت پذیرش نظریه‌ای به غیر از این، تنها ضمانت اجرای قراردادهای قائم به شخص قراردادی، فسخ آن خواهد بود. باید این مطلب را متذکر شد که این ماده تنها در صدد بیان تعهدات قائم به شخص قراردادی نیست و تعهدات قائم به شخص غیرقراردادی را نیز شامل می‌گردد و گزاره «جز به وسیله‌ی شخص متعهد ممکن نیست» را باید حمل در تعهدات قائم به شخص قراردادی و قانونی هم کرد که اجازه انجام تعهد جز از سوی شخص خاص امکان پذیر نیست.

ذکر این مطلب لازم است که ماده ۷۲۹ مذکور تنها در تعهدات غیرپولی قابلیت استفاده داشته‌است و در تعهدات پولی سازوکار این ماده قابلیت استفاده را پیدا نمی‌کند، چراکه قانون‌گذار در خصوص این نوع از تعهدات در ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م سابق صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیرتأدیه را پیش‌بینی نموده بود. جریمه مدنی موضوع ماده ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق از نوع جریمه مدنی موقت بوده‌است، چراکه به قاضی اجازه می‌دهد که در رأی خود تجدیدنظر نماید. اما از جهت اینکه اثر جریمه مدنی آیا جبران خسارت است یا تنها فشاری بر متعهد بوده تا اقدام به اجرای تعهد نماید، باید همسو با بزرگان حقوق (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۵- محقق داماد، حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۸- صفایی، ۱۳۹۳: ۲۰۵- ابهری، تقی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲) بیان کرد با دریافت جریمه مدنی امکان دریافت خسارت نیز به صورت مستقل وجود دارد و جمع بین جریمه مدنی و خسارت امکان‌پذیر است، لذا نظریه مخالف که ادعا نموده‌است امکان جمع مابین خسارت تأخیر و جریمه مدنی فراهم نیست (شهیدی، ۱۳۹۵: ۱۸۵)، درواقع بدون توجه به ماهیت این موضوع در حقوق و فقه بوده‌است و از مطالب گذشته به خوبی مشخص می‌گردد که ماهیت جریمه مدنی همان‌گونه که بیان شده، در فقه اسلامی تعزیرات غیرکیفری است و مشخصاً ماهیت

تعزیری با خسارت تأخیر در انجام تعهد متفاوت است (محقق داماد، حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۸).

یکی دیگر از شروطی که برای اعمال جریمه مدنی باید مورد توجه قرار داد، حسب ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق، مقرر کردن جریمه در ضمن رأی ماهیتی مورد حکم است و در صورتی که در زمان صدور رأی این موضوع مورد لحوق حکم قرار نگرفت، با توجه به جمع مواد ۷۲۹ و تبصره ماده ۴۷ قانون ق.ا.ا.م این امکان وجود دارد که پس از صدور رأی و در ضمن اجرای حکم مجدداً دادگاه صادر کننده رأی اقدام به صدور حکم در خصوص جریمه مدنی نماید. اما در هر دو صورت این را باید مدنظر قرار داد که برخلاف نظر برخی از استادان (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۹) لازمه امکان دریافت جریمه مدنی و اعمال آن صدور رأی قطعی است. به طور مثال در خصوص آرایی که قبل از قطعیت قابلیت اجرا دارند، یا در ضمن دستور موقت در خصوص مواردی که جنبه قائم به شخص دارد (فرضاً جلوگیری از ساخت دیوار در دعوای خلع‌ید)، دادگاه نمی‌تواند در دستور خود جریمه مدنی مقرر نماید. از همین موضوع می‌شود وحدت ملاک گرفت و بیان کرد که اگر در زمان صدور رأی، جریمه مدنی منظور نگردید و به دلیل عدم اجرای رأی مجدداً موضوع اعمال جریمه مدنی از سوی محکوم‌له مطرح گردید باید مجدداً رأی در خصوص جریمه مدنی صادر شود و برخلاف نظر برخی که گفته‌اند که در این خصوص می‌شود دستور صادر نمود و لازم به صدور رأی نیست (شمس، ۱۳۸۹، ج۲: ۲۶۰) به‌نظر می‌رسد به صرف دستور، دادگاه نمی‌تواند جریمه مدنی را اعمال کند. در نتیجه در این فرض اگر رأی اصلی قابل تجدیدنظرخواهی باشد رأیی که در خصوص جریمه مدنی صادر می‌شود، به تبع از اصل رأی قابل تجدیدنظرخواهی است. باید برای محکوم‌علیه این حق را قائل گردید. همان‌گونه که در ضمن رأی اصلی جریمه مدنی امکان تجدیدنظرخواهی برای محکوم‌علیه وجود داشت، مستقلاً نیز اگر رأی در خصوص آن صادر شود، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

از دیگر شروط ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق در نظر گرفتن جریمه مدنی به صورت روزانه است و باید مدت داشته باشد، قید روزانه بعید است که در این ماده قید قالبی باشد. در نتیجه، اعمال سالانه و یا ماهانه صحیح است. اما در خصوص تعیین مدت، مبدأ آغاز

همان‌گونه که بیان شد، قطعیت رأی بوده و انتهای آن لازم نیست دقیقاً تاریخ مشخصی باشد، بلکه ممکن است انجام کار یا اجرای رأی ذکر شود. اما باید این مسئله را مورد توجه قرار داد که آیا برای انجام عمل، دادگاه باید فرصت دهد یا آنکه امکان این وجود دارد که جریمه مدنی وسیله‌ای باشد برای مجازات، به جهت عدم انجام تعهد که تا زمان قطعیت رأی دادگاه اجرا نگشته‌است؟ به‌نظر می‌رسد دیدگاه دوم یعنی همان مطلبی که برخی گفته‌اند دادگاه باید با ترسیم یک زمان متعارف که انجام عمل با لحاظ شرایط پیچیدگی‌ها و سلسله عملیات به آن نیازمند است، دادباخته را مقید سازد تا در آن مدت حکم را محقق سازد (موسوی، ۱۴۰۳، ج۱: ۴۰۴)، منطقی است و با منطوق ماده ۷۲۹ کاملاً سازگار است.

به عنوان آخرین شرط در این خصوص باید بیان شود، برخی اعتقاد داشته‌اند که همان‌گونه که از منطوق ماده ق.آ.د.م سابق برمی‌آید، صدور حکم در خصوص جریمه مدنی باید حتماً با درخواست باشد (موسوی، ۱۴۰۳، ج۴: ۴۰۳- ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۷۷) در نتیجه، در صورتی که درخواستی از سوی خواهان بیان نگردد در طی روند دادرسی اصلی یا در مقطع اجرای حکم، امکان صدور رأی نسبت به جریمه مدنی وجود نخواهد داشت. در مقابل این نظریه، بیان شده‌است که صدور رأی به جریمه مدنی احتیاج به درخواست ندارد (شریعتی، ۱۳۴۳: ۱۴۴). اگر بخواهیم قواعد تفسیر لفظی را رعایت کنیم، باید بگوییم در متن ماده درخواست، ذکر شده‌است؛ لذا بدون درخواست، امکان صدور رأی به جریمه مدنی وجود ندارد. از سوی دیگر، نظریه بینابینی نیز می‌شود ارائه کرد. بدین شرح که طرح دادخواستِ الزام به انجام تعهد در تعهدات قائم به شخص متضمن الزام متعهد به هر روش قانونی است که دادگاه بر مبنای قوانین موضوعه باید متعهد را الزام کند ؛ در نتیجه دادگاه می‌تواند در زمان صدور رأی بدوی حکم بر الزام از طریق جریمه مدنی را صادر نماید. از طرفی اگر دادگاه تنها الزام ساده را مورد لحوق حکم قرار دهد، درخواست موضوع تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م از این جهت است که در واقع در این مورد قانون‌گذار حق بازبینی در رأی را به قاضی داده‌است تا اگر مقتضی دید حکم بر جریمه مدنی صادر نماید و اگر هم لازم ندید، این درخواست را رد کند و مسلماً دادگاه در پذیرش

درخواست مکلف نبوده و مختار است، اما رد این درخواست همان‌گونه که گفته شد پذیرش آن به تبع اصل رأی (اگر اصل رأی قابل تجدیدنظرخواهی بود)، قابل تجدیدنظرخواهی از سوی متعهدله‌است، لذا رد درخواست نیز در صورت قابلیت تجدیدنظرخواهی اصل دادنامه چه با اصل رأی و چه به صورت مستقل در راستای تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م قابل تجدیدنظرخواهی است. از جهت اثبات حق تجدیدنظرخواهی می‌توان به ماده ۴۷۵ ق.آ.د.م سابق و بند «ج» ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م ۱۳۷۹ اشاره نمود.

از نگاه تطبیقی باید بیان شود که قانون مدل ایبرو آمریکایی[1] در قواعد کلی قانون اجرای احکام و در ذیل عنوان «تهدیدهای اقتصادی و شخصی (جریمه‌های تأخیر)» در قسمت ۲ ماده ۳۲۰ عطف به قسمت ۱ بیان کرده «دادگاه به اختیار خود یا در صورت درخواست یکی از طرفین دعوا، در هر مرحله‌ای از آیین دادرسی و برای اجرای حکمش، می‌تواند دست به اقدامات لازم برای تهدید یا اجبار بزند. مقصود از مجازات‌های اقتصادی تعیین مبلغ پول است که باید بعد از یک مهلت مناسب، برای هر یک روز امتناع از اجرا، به صندوق دادگستری واریز شود، این مبلغ بسته به میزان و ماهیت دین و وضع مالی محکوم-علیه تعیین می گردد و باید به گونه‌ای باشد که قطعاً الزام روانی مؤثری را برای ایفای تعهد تحمیل کند». همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این قانون مدل الزام به پرداخت جریمه مدنی به نظر قاضی و بدون درخواست نیز می‌تواند مورد صدور حکم قرار گیرد (کرامیوس، ۱۳۹۸: ۳۹۴).

۳/۱/۲/۲- شرایط تغییر در حکم جریمه مدنی

با توجه به اینکه در نظام ق.آ.د.م جریمه مدنی موقت پیش‌بینی گردیده بود لذا ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق بیان می‌کرد که قاضی حق دارد تا در جریمه مقرره تجدیدنظر کند. در

[1]- قانون ایبرو-آمریکایی (Ibero-American Law) به مجموعه‌ای از نظام‌های حقوقی اشاره دارد که در کشورهای آمریکای لاتین و شبه‌جزیره ایبری (شامل اسپانیا و پرتغال) توسعهٔ یافته‌اند. این کشورها از نظر تاریخی و فرهنگی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و نظام‌های حقوقی آنها نیز تحت تأثیر حقوق رومی و به ویژه حقوق اسپانیا قرار گرفته‌است. سازمان‌هایی مانند «سازمان ایبرو-آمریکایی» (Organización de los Estados Iberoamericanos) وجود دارند که به همکاری و تبادل تجربیات در زمینه‌های مختلف، از جمله حقوق، بین کشورهای عضو کمک می‌کنند و قوانین مدل را به کشورهای این خانواده پیشنهاد می‌کند.

خصوص این ماده باید بیان شود که اولاً، دادگاه در تجدیدنظر در میزان جریمه سابق و یا همان حکم خود اگرچه آزاد است اما باید تغییر در میزان جریمه در اثر ایجاد اوضاع و احوال جدیدی باشد و به اصطلاح در این زمینه نیز باید رأی دادگاه مستدل باشد. ثانیاً، تغییر در جریمه همیشه به معنی افزودن بر جریمه برای آینده نیست، بلکه همان‌گونه که در ماده بیان شده‌است در زمان گذشته نیز می‌تواند تغییر ایجاد کرد. ثالثاً، تغییر در گذشته الزاماً به معنی افزودن بر جریمه گذشته نیست، اگرچه در صورتی که دادگاه سرسختی محکوم‌علیه را مشاهد کرد و جریمه سابق را کافی ندید حق دارد به مبلغ سابق اضافه کند و یا مبلغ سابق را از زمان دستور جدید افزایش دهد. از سویی ممکن است محکوم‌علیه اقدام به اجرای رأی نماید و برای دادگاه ثابت کند که به دلیلی انجام تعهد با سختی مواجه بوده‌است. برای مثال نوسانات اقتصادی ایجاد شده سبب تأخیر حادث شده باشد و درخواست تقلیل جریمه را نماید. بر این مبنا و حسب منطوق ماده ۷۳۰ این اختیار برای قاضی وجود خواهد داشت که حتی با اجرای حکم، اقدام به تقلیل یا ملغی نمودن کامل جریمه مدنی نماید. البته برخی با ضمن پذیرش تقلیل، بیان کرده‌اند که قانون از حذف جریمه مدنی سخن نگفته‌است، ولی در عمل دادگاه می‌تواند آن را چندان ناچیز نماید که در حکم حذف جریمه مدنی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۶). این موضوع در حقوق فرانسه نیز به چشم می‌خورد که قاضی حق تقلیل یا حذف آثار گذشته جریمه را داشته و می‌تواند به کلی محکوم‌علیه را با انجام تعهد از جریمه مقرر معاف نماید (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۷۵). با توجه به این ، می‌توان نتیجه گرفت که جریمه مدنی دین محکوم‌علیه نمی-شود. رابعاً، به عنوان آخرین نکته باید گفت اگرچه در سابق بیان شد که صدور حکم به پرداخت جریمه مدنی این حق را برای محکوم‌علیه ایجاد می‌کند که اقدام به تجدیدنظرخواهی نماید، اما باید گفت افزایش یا کاهش مبلغ یا حذف آن برای کسی ایجاد حق تجدیدنظرخواهی نمی‌کند.

۳/۲- بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی مسئله‌ای که قابل بحث است، تغییرات ق.آ.د.م است، که شبهه خلاف شرع بودن را ایجاد می‌نماید و به این موضوع در پیشتر پرداخته شد. اما باید

تغییرات موجود با لحاظ تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م نیز بررسی گردد. توضیح آنکه آیا رد پای دیگری در قوانین می‌توان از جریمه مدنی پیدا کرد که به ما کمک کند، شبهه خلاف شرع بودن، زدوده شود.

۳/۲/۱- ق.آ.د.م ۱۳۷۹

با تصویب ق.آ.د.م ۱۳۷۹ حکمی مشابه مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق از سوی قانون‌گذار بیان نگردید و به شرح بیان شده در قبل با ایراد شورای نگهبان حذف گردید، لذا سئوالی که مطرح می‌شود مبنی بر نسخ یا بقای ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص با توجه به تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م است. میان دکترین و بالتبع در رویه قضایی اختلاف نظر در این خصوص به وجود آمده‌است. از همین منظر باید این موضوع را مورد بررسی قرار داد که منشا اختلاف چیست و چه نظراتی در این خصوص وجود دارد.

۳/۲/۱/۱- منشا اختلاف در بقای حکم ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق

گاهی اوقات قانون‌گذار برخی از مقرراتی که سابقاً وضع نموده‌است را به موضوعات مشابه تسری می‌دهد و به منظور جلوگیری از تکرار مقررات، در قالب عبارتی کوتاه به مقرره‌ی پیشین ارجاع می‌دهد. این مفهوم را در اصطلاح حقوقی می‌توان «ارجاع به قانون یا احاله قانونی» تلقی کرد که دارای شباهتی با مفهوم احاله قانون در حقوق بین‌الملل خصوصی است. سودمندی این شیوه از قانون‌گذاری، جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها و صرفه‌جویی در وقت قانون‌گذاران است. همچنین، بنا بر حکم عقل و منطق، هر مقرره‌ی قانونی باید در جای خویش و در کنار سایر مقررات مرتبط جای گیرد. با توجه به این توضیحات، باید یادآور شد که قانون ارجاع کننده، قانونی است که حکم قانون دیگر، یعنی قانون مرجوع‌الیه را، در موضوعی معین پذیرفته و بدون آن که حکمی مشابه وضع کند، ارجاع به قانون اخیرالذکر را کافی می‌داند. این عملکردِ مقنن، اختصار در قانون‌نویسی نامیده می‌شود که از فنون قانون‌گذاری است (علی میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

درواقع یکی از مواردی که در تحقق نسخ ضمنی تردید می‌شود، فرضی است که در آن شرایط و چگونگی اجرا و آثار قانونی به قانون دیگر احاله شده‌است و قانون جدید سخنی

درباره‌ی قانون اصلی (احاله کننده) نمی‌گوید، ولی قانون دوم (احاله شده) را نسخ می‌کند. در این فرض، نسخ قانون احاله شده صریح است، لیکن قانون احاله کننده موضوع مستقیم آن نیست. در این حالت پرسشی به ذهن می‌رسد که باید قانون اصلی را نیز نسخ شده دانست؟ (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج۲: ۳۵۶). تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م، مصداق بارز این حالت است، لذا بقا یا نسخ ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق با لحاظ ماده ۴۷ و از طرفی ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عنوان یک جواب کلی، بیان شده است جایی که اجرای حکمی، به سبب حذف مرجع صالح برای رسیدگی و تمیز حق یا به سبب دیگری ممکن نباشد، ناچار باید نسخ ضمنی قانون احاله کننده به قانون منسوخ را پذیرفت. ولی در سایر مواردی که قانون جدیدی جانشین قانون احاله شده می‌شود، باید از نسخ ضمنی پرهیز کرد (مارتی و رینو، به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج۲: ۳۵۸). در فرض تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م، قانون جدید آیین دادرسی مدنی جانشین شده است اما مواد ۵۱۵ این قانون که جانشین مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ قانون سابق شده است حکمی در خصوص موضوع جریمه مدنی ندارد که باعث می‌شود موضوع پیچیده‌تر شود. در ذیل به بررسی این موضوع از منظر دکترین حقوق و رویه قضایی پرداخته می‌شود.

۳/۲/۱/۲- دکترین حقوق

در حال حاضر، میان دکترین دو گروه وجود دارد: گروه اول قائل بر نسخ تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م و گروه دوم قائل بر عدم نسخ تبصره و لزوم اجرای آن است که این دیدگاه اخیر به دو قسم تقسیم‌بندی می‌شود.

۳/۲/۱/۲/۱- قائلین به نسخ تبصره

برخی از حقوق‌دانان بیان کرده‌اند که مقررات ماده ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق همراه سایر مقررات این قانون، با تصویب ق.آ.د.م جدید نسخ گردیده و به این جهت مورد ارجاع تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م و در نتیجه زمینه اجرای این تبصره منتفی شده است (صفایی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). برخی از جهت استدلال جهت نسخ توضیح داده‌اند که با ملاحظه ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م جدید که مقرر داشته‌است: «ق.آ.د.م مصوب سال ۱۳۱۸ و الحاقات و

اصلاحات آن و مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و سایر قوانین و مقررات در موارد مغایر ملغی می گردد.» بدواً ممکن است در ذهن القا شود که قید «مغایر» مربوط به همه‌ی مقررات مذکور در این ماده‌است و از این توجیه این نتیجه گرفته شود که از مقررات ق.آ.د.م سابق نیز منحصراً مقرراتی که مغایرت با مقررات ق.آ.د.م جدید ندارد، به اعتبار خود باقی است. اما این استدلال قابل قبول به نظر نمی‌رسد زیرا مطابق قواعد اصولی و ادبیات، قیدی که پس از ذکر عناوین متعدد آورده شود، باید به آخرین عنوان نسبت داده شود مگر اینکه قرینه‌ای آورده شود تا انصراف آن قید به تمامی عناوین پیشین را نشان دهد اما از آنجا که در ماده‌ی ۵۲۹ ق.آ.د.م جدید هیچگونه قرینه‌ای که موجب ارتباط قید «مگر در موارد مغایر» به همه موارد مذکور در این باشد، مشاهده نمی‌شود، انصراف قید مزبور فقط به عنوان «سایر قوانین و مقررات» که به طور کلی و بدون ذکر مشخصات قوانین مذکور، مورد اشاره قرارگرفته‌است، ظاهر به نظر می‌رسد (شهیدی: ۱۳۹۵: ۱۸۶). برخی نیز با بیان استدلال مذکور در سابق بیان کرده‌اند: با توجه به گرایش‌های جدید در زمینه حقوق خصوصی و اینکه هنگامی که اجرای تعهد، قائم به شخص بوده و ماهیتی منحصراً شخصی دارد، الزام به اجرای تعهد به معنی مداخله در آزادی شخصی متعهد بوده و علاوه بر این الزام به اجرای تعهد، اغلب به کیفیت تعهد قائم به شخص صدمه می‌زند. در نتیجه قائل شدن به حق فسخ ابتدائی و حذف ضمانت اجرای تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م با گرایش‌های جدید حقوقی و مقررات فقهی و غرض عرف از ایفای تعهدات هم‌خوانی دارد (فصیح زاده، طاهری، ۱۴۰۱: ۲۳۳).

ایراد وارده بر دیدگاه اخیرالذکر واضح است. اولاً، باتوجه به تحقیقاتی که در پیشتر بیان گردید کاملاً روشن می‌شود در کشورهای دیگر صرف‌نظر از آنکه در کدام نظام حقوقی رومی-ژرمنی یا کامن‌لا باشند، استفاده از جریمه مدنی در حال گسترش است. ثانیاً، در جواب این ادعا که بیان شده‌است، الزام متعهد به انجام تعهد در تعهدات قائم به شخص باعث می‌شود عمل انجام شده فاقد کیفیت مطلوب گردد، باید گفت جریمه مدنی دقیقاً راهکاری است که امکان الزام با کیفیت مطلوب را فراهم می‌آورد و اگر کیفیت مطلوب وجود نداشت یا تعهد اجرا نشده به حساب بیاید، جریمه مدنی ادامه پیدا کند یا آنکه خسارت با

توجه به کار انجام شده، قابل مطالبه باشد. در نتیجه این نظر ارائه شده فاقد مبنای علمی بوده و حتی فاقد تحقیق جامعی در سایر نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیاست. اما در خصوص نظر اول برخی با استدلال به اصول کلامی بیان کرده‌اند، این گزاره که قید به جمله اخیر برمی‌گردد، قاعده مسلم فقه شیعه نیست و میان فقها اختلاف است. به طور مثال امام خمینی قائل به این مطلب نبوده و اعتقاد داشته در صورت نبودن دلیل بر اختصاص باید قائل شد که قید به همه مستثنی‌منه برمی‌گردد (خمینی، ۱۴۱۵ هـ ق، ج۲: ۳۰۷). در نتیجه، استدلال مذکور صحیح نیست (محمدی، کریمی،۱۴۰۳: ۲۲۱)؛ باید گفت حق اجرای مؤثر رأی، یکی از حقوق شهروندی اشخاص محسوب می‌شود. همچنین دادرسی عادلانه و منصفانه، دادرسی‌ای است که در آن حق دادخواهی شهروندان تأمین و رسیدگی در دادگاهی مستقل با رعایت همه تضمینات حقوق دفاعی انجام می‌گردد (محسنی، ۱۴۰۱: ۳۱)؛ لذا دادرسی منصفانه منتج به این می‌شود که حق اجرای مؤثر رأی در کنار حق دادخواهی، اصل بی‌طرفی، استقلال قاضی و دادگاه و رعایت حقوق دفاعی موجب تحقق حمایت حقوقی از شهروندان در هر جامعه می‌شود (محسنی، ۱۳۹۱: ۲۱۴). حال با این توضیحات اگر تبصره مذکور نسخ شده تلقی گردد، این اصول دادرسی و حقوق اشخاص زیر سوال خواهد رفت، لذا باید تفسیر از قوانین با نگاه به این حق مسلم مورد توجه قرار گیرد. همین نگرش است که باعث می‌شود در زمانی که در فرانسه قانونی در ارتباط با جریمه مدنی وجود نداشت، دادگاه‌ها بر مبنای اصول حقوقی این حق را شناسایی نمایند. در نتیجه با وجود تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م امکان تفسیر بر وجود حق بسیار راحت‌تر و منطبق بر اصول قانونی است.

۳/۲/۱/۲/۲- قائلین به اعتبار و عدم نسخ تبصره

قائلین به اعتبار جریمه مدنی ق.آ.د.م ۱۳۱۸ را می‌توان به دو گروه تفکیک کرد. گروه اول معتقد هستند با توجه به تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م تنها ماده ۷۲۹ نسخ نگردیده و ماده ۷۳۰ نسخ شده‌است. در مقابل گروه دوم به اعتبار هر دو ماده ۷۲۹ و ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق قائل هستند. دلایل این دو گروه در ذیل می‌آید.

در نگرش گروه اول بیان شده‌است که ارجاع به ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق به منزله الحاق این حکم در متن قانون اجرای احکام است و از بابت اختصار در قانون‌نویسی به ارجاع حکم ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق بسنده نموده از این رو نسخ قانون سابق در سال ۱۳۷۹ به اعتبار نصی که در سال ۱۳۵۶، در شمار نصوص اجرای احکام مدنی در آمده خللی وارد نمی‌کند (موسوی، ۱۴۰۳، ج۴: ۴۰۲) و در ادامه‌استدلال کرده‌اند که ناتوان ساختن مراجع قضاوتی در الزام متعهد به انجام تعهد و بی‌اثر کردن قانون در اجبار محکوم-علیه به اجرای حکم، در مواردی که قادر به اجرای آن باشد، با اصول و قواعد فقهی و حقوقی مباینت دارد (شمس، ۱۳۸۴، ج۱: ۴۱۹). علی‌رغم این موضع‌گیری به صراحت بیان کرده‌اند که به دلیل ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م و عدم ارجاع ماده ۴۷ ق.ا.ا.م به ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق، این ماده نسخ گردیده‌است (شمس، ۱۳۹۷، ج۲: ۷۲۶- موسوی، ۱۴۰۳، ج۴: ۴۰۵). این نظریه باعث خواهد شد که جریمه مدنی از نوع موقت ماده ۷۲۹ قانون سابق به جریمه مدنی مقطوع (دائمی/ ثابت/ غیرقابل تغییر) تبدیل شود که با روح قانون‌گذاری در خصوص این ماهیت در تعهد قائم به شخص فاصله زیادی بگیرد.

در دیدگاه گروه دوم، دکترین حقوق به دو قسم تقسیم می‌گردند. قسم اول اگرچه بر مبنای همان دیدگاه احاله قانون اجرای احکام به ق.آ.د.م ۱۳۱۸ از جهت خلاصه‌نویسی و بقا حکم ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق اظهار نظر کرده‌اند و این موضوع را حکم عقلی و نتیجه‌ی علمی دانسته‌اند (حسین آبادی، ۱۳۹۵: ۴۶- مهاجری، ۱۳۸۶: ۱۸۶) اما در خصوص حکم ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق اظهارنظر نکرده‌اند بلکه از بیان ایشان فهمیده می‌شود که برعکس ایشان اعتقاد دارند که ماده مذکور هنوز به قوت خود پابرجا است چراکه این ضمانت اجرا ریشه در آرای محاکم حقوق فرانسه داشته و به حکم عقل و تجربه‌ی علمی راه به قانون پیدا کرده‌است. اما قسم دوم حقوق‌دانانی هستند که به صراحت بیان کرده‌اند که با وجود تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م که به اجرای ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق امر شده‌است نه تنها حکم ماده اخیرالذکر پابرجاست؛ بلکه دادگاه می‌تواند بر مبنای ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق اقدام در کاهش یا افزایش آن به عمل آورد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۶). از طرفی استدلال کرده‌اند که تبصره ماده ۴۷ که به ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق ارجاع داده، به طور ضمنی اذن به اعمال ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق نیز داده‌است اگرچه این دو

ماده لازم و ملزوم یکدیگر نبوده‌اند (ایزانلو، شاهین، ۱۳۹۹: ۷۴). به باور ما باید گفت قواعد دو ماده یک ضمانت اجراست و وقتی تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م بیان می‌کند در تعهد قائم به شخص اجرای حکم بر مبنای ماده ۷۲۹ است، در واقع، منظور روش جریمه مدنی است که خود چند ماده است. روح قانون‌گذاری اجرای احکام ما را به این مطلب سوق می‌دهد و برداشت دیگری جز این مطلب باعث می‌شود به جای تفسیر منطقی به تفسیری کلامی روی آوریم که ضعف تفاسیر است.

۳/۲/۱/۳- رویه قضایی در خصوص تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م

رویه قضایی را می‌شود در سه قسم نظریات مشورتی اداره حقوقی، نشست‌های قضایی برگزار شده و آرای محاکم مورد بررسی قرار داد.

۳/۲/۱/۳/۱- نظریات مشورتی

بررسی نظریه‌های مشورتی موجود در این زمینه حائز اهمیت است. در این خصوص، دو گروه وجود دارند: گروه اول در مقام تأیید قائلین به اعتبار تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م هستند و گروه دوم نظریه‌هایی که این موضوع را نپذیرفته‌اند.

۳/۲/۱/۳/۱/۱- نظریات مشورتی قائل به اعتبار تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م

بر اساس نظریات مشورتی به شماره ۷/۹۲/۸۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۱، شماره ۷/۹۵/۱۳۹۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰، شماره ۷/۹۷/۵۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۲، شماره ۷/۱۴۰۰/۱۱۰۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۷، شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰و شماره ۷/۱۴۰۰/۱۵۹۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۰، اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه، تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م به جهت اختصار در قانون‌نویسی به ماده‌ی ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق ارجاع داده و مفاد آن ماده در متن تبصره ذکر نشده و لذا تبصره‌ی مذکور کماکان معتبر است. نظریات مذکور، همگی در مقام تأیید قائلین به اعتبار تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م می‌باشند.

۳/۲/۱/۳/۱/۲- نظریات مشورتی قائل به نسخ تبصره‌ی ماده ۴۷ ق.ا.ا.م

بر اساس نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۷۱۶۵-۱۳۸۶/۱۰/۲۶ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه ماده‌ی ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق، بر اساس ماده‌ی ۵۲۹ ق.آ.د.م جدید نسخ شده و در حال حاضر ماده‌ی ۵۱۵ ق.آ.د.م جدید جایگزین آن است (زینالی، ۱۳۹۵: ۴۱). در واقع

از لحاظ این نظریه چون ماده مذکور حکمی در خصوص جریمه مدنی ندارد، درنتیجه باید گفت قانون‌گذار این روش را به رسمیت نشناخته‌است.

۳/۲/۱/۳/۲- نشست‌های قضایی

در نشست‌های قضایی نیز دو دیدگاه در تقابل یکدیگر بوده‌اند. نگرشی دائر بر وجود جریمه مدنی و نگرشی بر مبنای نسخ ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق و به تبع، عدم امکان اعمال تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م.

الف. برابر نشست قضایی برگزار شده توسط استان خراسان رضوی به شماره ۱۳۹۸-۶۲۱۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۴ درخصوص امکان یا عدم امکان اخذ جریمه مالی از محکوم‌علیه درصورت عدم انجام تعهد مالی با توجه به تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م، نظر هیئت عالی بر این است که به سبب فقدان نص صریح دیگری مغایر ماده‌ی ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق، تعیین جریمه مالی از سوی دادگاه صادر کننده‌ی رأی و به تبع آن صدور اجرائیه مبتنی بر مقررات بوده‌است و بلامانع است.[۱]

ب. برابر نشست قضایی دادگستری استان تهران، مورخ ۱۳۸۱/۰۷/۰۴ درخصوص چگونگی اجرای حکم الزام خوانده به رفع رطوبت از ملک خواهان، نظر اکثریت بر این است که، ق.آ.د.م سابق به طور کامل نسخ گردیده و از آنجا که ق.آ.د.م جدید در این زمینه ساکت است، با تمسک به ماده‌ی ۵۱۵ ق.آ.د.م و در راستای اجرای قاعده فقهی تسبیب، پس از اثبات امر در محکمه، می‌توان خسارت ناشی از تأخیر انجام تعهد را مطالبه نمود. ضمن اینکه مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی مکلف است در صورت سکوت قانون با مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر حکم قضیه را صادر نماید (جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

۳/۲/۱/۳/۳- آرای قضایی

بر مبنای تحقیقات میدانی انجام شده، شعبه ۲۰ دادگاه حقوقی تهران مستقر در

[۱] https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/c489b625-b074-42ae-4bf8-08d65943a318

مجتمع قضائی شهید بهشتی در چندین رأی اقدام به‌استفاده از مقررات ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م و تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م نموده‌است. در دادنامه شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۰۹۱۶۶۷۲۶ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۶ از جهت ارائه حساب تصدی ایام وکالت و در دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۷۸۸۷۶۹۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۲، به خواسته‌ی الزام خوانده به ارائه نسخه‌ای از قرارداد مشارکت مدنی به شماره ۸۸۲۳۰۰۰۰۳، از جریمه مدنی استفاده شده، در دادنامه‌ی اخیرالذکر دادگاه بیان کرده‌است: «لازم به ذکر است عدم اجرای رأی پس از قطعیت و صدور اجرائیه و گذشت مدت ۱۰ روز از ابلاغ اجرائیه حسب تبصره‌ی ماده ۴۷ ق.ا.ا.م باعث می‌شود که خوانده روزانه محکوم به سی میلیون ریال در حق خواهان گردد...». این رأی از سوی شعبه ۳۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در طی دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۱۱۸۲۴۹۳۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ مورد تأیید قرار گرفته‌است. در زمان اجرای حکم شعبه مذکور با توجه به اقدامات بانک اقدام به تعدیل در جریمه نیز به عمل آورده و حکم مقرر در ماده ۷۳۰ ق.آ.د.م سابق را اجرا کرده است. همچنین، بنابر دادنامه شعبه ۴ دادگاه حقوقی شهرستان نظرآباد مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۶؛ به خواسته الزام خوانده به ایفای تعهد دایر بر تعویض ضامن در بانک مسکن کرج نیز، دادگاه با عنایت به تعهد خوانده در مبایعه‌نامه دایر بر تعویض ضامن بانکی، و عدم حضور و دفاع خوانده علی‌رغم ابلاغ واقعی، دعوی مطروحه را وارد تشخیص و مستند به مواد ۱۸۳، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۴ و ۲۳۷ از ق.م حکم بر محکومیت خوانده به ایفای تعهد دایر بر تعویض ضامن در بانک مرتبط صادر و اعلام می‌نماید. به جهت عدم تجدیدنظرخواهی در موعد قانونی، دادنامه بدوی قطعی گردید. دادگاه در مرحله اجرا چنین مقرر می‌نماید: «وفق تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ ق.ا.ا.م وجه‌التزام تعیین گردد».

۴/۱/۲/۳- ماهیت ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد این است که برخلاف تصوری که می‌شود، مبنی بر اینکه قانون‌گذار ۱۳۷۹ در خصوص ماهیت جریمه مدنی حکمی نیاورده‌است و حتی بیان کرده‌اند در ذیل سر فصل باب نهم ق.آ.د.م که عبارت از «مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد»، است بر مبنای کاهلی، حکمی از اجبار به انجام تعهد نیاورده‌است (کاتوزیان،

۱۳۹۰، ج۴: ۱۲۶)، نظری صحیح نیست، چراکه اگر دقت شود ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م مسلماً بر مبنای احکام خسارت تأخیر تأدیه قابل توجیه نیست و قانون‌گذار در ماده ۵۲۱ ق.آ.د.م اگرچه در خصوص خسارت صحبت می‌کند، اما در هیچ کجای متن ماده ۵۲۲ کلمه خسارت بیان نگردیده‌است. این موضوع باعث شده که برخی بیان کنند که قانون‌گذار تئوری کاهش ارزش پول را مورد پذیرش قرار داده‌است (آقائی، ۱۳۹۶: ۲۵۷). این مطلب نیز مورد ایراد قرار گرفته که اگر این تئوری مورد قبول قانون‌گذار بود چرا قیودی همچون تمکن و مطالبه مورد حکم قرار گرفته‌است (شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۸۲) که با نظریه‌ی کاهش ارزش پول قابل جمع نیست. لذا برخی از استادان و محققین حقوق بر مبنای نظریات شورای نگهبان در خصوص خسارت تأخیر تأدیه بیان کرده‌اند که این ماده در راستای نظریه شورای نگهبان که بیان می‌کند: «نظر شورای‌نگهبان بشرح ذیل اعلام می‌شود (آن قسمت از ماده ۳۴ قانون ثبت و تبصره ۴ و ۵ آن و ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی ثبت که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت‌تأخیرتأدیه مجاز شمرده‌است خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود) لازم به‌تذکر است که تأخیر ادای دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعاً جرم و قابل تعزیر است. دبیر شورای نگهبان ـ محمد محمدی گیلانی» بدین شکل و با این قیود مورد تصویب قرار گرفته‌است. در واقع در این ماده قانون‌گذار تعزیر مالی مدیون مماطل را پذیرفته و جزای نقدی بر مبنای شاخص محاسبه و به مدیون پرداخت می‌شود (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱ - محقق داماد، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

در مقام نتیجه می‌توان گفت اگرچه قانون‌گذار جریمه مدنی ماده ۷۲۹ را در ق.آ.د.م ۱۳۷۹ تکرار نکرده‌است اما پا را بلندتر گذاشته و جریمه مدنی تعهدات پولی را در ماده ۵۲۲ مورد قانون‌گذاری قرار داده‌است. البته لازم به تذکر است که جریمه مدنی مذکور در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نه در معنی اعم بیان شده از سوی لنگرودی (لنگرودی، ۱۳۹۳، ج۲: ۱۵۴۵)، بلکه در معنی اخص خود است. در نتیجه باید گفت وقتی جریمه مدنی در تعهدات پولی مورد پذیرش است در تعهدات غیرپولی که ارزش مالی دارند به طریق اولی قابل پذیرش است.

۳٫۲٫۲- سایر قوانین بعد از انقلاب

بعد از انقلاب قانون‌گذار جریمه مدنی (تعزیرات غیرکیفری) را به صورت خاص

مخصوصاً در تعهدات پولی در قوانینی مورد پذیرش قرار داده‌است که دیگر شکی در مشروعیت این روش اجبار غیرمستقیم باقی نمی‌گذارد. به طور مثال در تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱۰ مکرر قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۱ قانون‌گذار بیان می‌کند: «در صورتی که عدم ارائه خدمات مشترك ممکن یا مؤثر نباشد، مدیر یا مدیران مجموعه می‌توانند به مراجع قضائی شکایت کنند، دادگاه‌ها موظفند این گونه شکایات را خارج از نوبت رسیدگی و واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی که به مجموعه ارائه می‌شود محروم کنند و تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع مجموعه جریمه نمایند. استفاده مجدد از خدمات موکول به پرداخت هزینه‌های معوق واحد مربوط بنا به گواهی مدیر یا مدیران و یا به حکم دادگاه و نیز هزیه مربوط به‌استفاده مجدد خواهد بود». در ماده ۲۱ ق.ن.ا.م.م آمده‌است: «انتقال مال به دیگری به هرنحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده‌باشد در حکم شریك جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفا خواهد شد». در ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مقرر شده‌است: «چنانچه بیمه‌گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارك، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه‌گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه‌ای معادل نیم در هزار به‌ازای هر روز تأخیر در حق زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی محکوم می‌شود».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در تمام این مواد جریمه مدنی راهکاری بوده که قانون‌گذار انتخاب کرده‌است تا انجام تعهدات از طریق اجبار غیرمستقیم تضمین شود. از طرفی در بیشتر این موارد تعهدات قائم به شخص نمی‌باشند. لازم است بیان شود موارد ذکر شده مثال بوده و در صورت جستجوی دقیق‌تر شاید موارد دیگری یافت شوند.

نتیجه‌گیری

درخصوص تعهدات قائم به شخص یکی از راهکارهای ضمانت اجرا به دلیل ماهیت این تعهدات راهکار جریمه مدنی است که این روش در بیشتر سیستم‌های حقوقی قابل مشاهده‌است. جریمه مدنی که در حقوق فرانسه به آن «Astreinte» گفته می‌شود در حال حاضر راهکاری است که محدود به تعهدات قائم به شخص نیست و حتی در الزام به تعهدات پولی نیز به کار گرفته می‌شود. در نظام حقوقی ایران در ق.آ.د.م ۱۳۱۸ این راهکار در الزام به انجام تعهدات قائم به شخص در مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ مورد استفاده قانون‌گذار قرار گرفته‌است. طی بررسی صورت گرفته، مشخص گردید که جریمه مدنی در قبل از انقلاب به صورت محدود در تعهدات پولی نیز مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته‌است. با وقوع انقلاب اسلامی و اصلاحاتی که در ق.آ.د.م انجام شده، موادی نظیر ۷۲۹ و ۷۳۰ به دلیل ایراد شورای نگهبان مورد تصویب قرار نگرفته‌است. این مطلب باعث گردید که برخی این توهم را داشته باشند که روش جریمه مدنی مورد نسخ قرارگرفته‌است. اما با بررسی انجام گرفته از لحاظ فقهی به این نتیجه رسیده‌اند که راهکار جریمه مدنی در نظام فقه اسلامی مساوی با تعزیرات غیرکیفری بوده و راهکاری کاملاً شرعی بوده‌است. از طرفی با توجه به تبصره ماده ۴۷ ق.ا.ا.م و برمبنای تئوری احاله قانون با توجه به عدم نسخ ماده اخیر الذکر باید گفت که در حال حاضر حکم ماده ۷۲۹ ق.آ.د.م سابق جزئی از ق.ا.ا.م است و حتی ارجاع مذکور منحصر به ماده ۷۲۹ نیست، بلکه ارجاع به روش عقلی جریمه مدنی است و ماده ۷۳۰ ق.ا.د.م سابق نیز بر مبنای روح قانون‌گذاری مذکور قابل اعمال است. از سویی روش جریمه مدنی در ق.آ.د.م ۱۳۷۹ نسخ نگردیده بلکه بر مبنای ماهیت ماده ۵۲۲ قانون مذکور در تعهدات پولی مورد پذیرش بوده‌است لذا به طریق اولی در تعهدات قائم به شخص که ارزش مالی دارد نیز قابل اجراست. از طرفی بعد از انقلاب قانون‌گذار در قوانین متعددی از این روش جریمه مدنی استفاده کرده‌است که ماده ۲۱ ق.ن.ا.م.م و ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث نمونه‌ای از این مواد می‌باشند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. امامی، میرسید حسن (۱۳۹۱). حقوق مدنی، ج. اول، چ. ۳۶، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲. بزرگمهر، امیرعباس، مهرانی، غزال (۱۳۹۵). اصلاحات در قانون مدنی فرانسه، انتشارات دانشگاه عدالت.
۳. پاکباز، سیامک (۱۴۰۰). شرح قانون مدنی فرانسه، انتشارات میزان، چاپ اول.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹). حقوق تعهدات، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۷. جهانیان، مجتبی (۱۳۹۳). قانون اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ. اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
۸. حسن‌زاده، منصوره (۱۴۰۰). کد مدنی فرانسه، حقوق قراردادها، تعهدات و ادله اثبات دعوا، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۹. خورسندیان، محمدعلی، شراعی، الهام (۱۳۹۶). قاعده نفی اختلال نظام در حقوق خصوصی، گسترش رایانه.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، ج. دهم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. زینالی، توحید (۱۳۹۵). محشای قانون اجرای احکام مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات چراغ دانش.
۱۲. شمس، عبدالله (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ هشتم، انتشارات دراک.
۱۳. شمس، عبدالله (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ نهم، انتشارات دراک.
۱۴. شمس، عبدالله (۱۳۹۷). اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دراک.
۱۵. شهیدی، مهدی(۱۳۹۵). آثار قراردادها و تعهدات، چاپ هفتم، انتشارات مجد.
۱۶. صفایی، سید حسین(۱۳۹۳). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، چاپ نوزدهم، انتشارات میزان.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ عمید، موسسه انتشارات امیرکبیر، جلد ۱، چاپ سی و دوم.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). نظریه عمومی تعهدات، چاپ دوم، انتشارات میزان.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳، چاپ پنجم، شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی: قرارداد- ایقاع، چ. چهاردهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، چاپ. پنجم، شرکت سهامی انتشار.

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). فلسفه حقوق، جلد۲، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۲۳. کرامیوس، کنستانتینوس، اجرای احکام تطبیقی آیین‌های اجرایی ترجمه سیادت، حمید رضا (۱۳۹۸). چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۲۴. محسنی، حسن (۱۴۰۱). اجرای مؤثر رأی و آیین اجرای محکومیت مالی، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۵. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی (یک جلدی فارسی)، انتشارات زرین، چاپ چهارم.
۲۶. موسوی، سیدعباس (۱۴۰۳). اجرای احکام مدنی ، شرایط و ترتیبات کلی اجرا، جلد اول، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۲۷. مهاجری، علی (۱۳۸۶). مبسوط در آیین دادرسی‌مدنی، انشارات فکرسازان.

کتب عربی

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ ق). لسان العرب، مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، چاپ سوم.
۲. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ هـ ق). معجم مقائیس اللغه، مصحح: عبد السلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ هـ ق). الصحاح- تاج اللغه و صحاح العربیه، چاپ اول، انتشارات دار العلم للملایین.
۴. خمینی، سیدروح اله (۱۴۱۵ هـ ق). مناهج الوصول الی علم الاصول، ج۲، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ هـ ق). مجمع‌البحرین، مصحح: سید احمد حسینی، چاپ سوم، انتشارات مرتضوی.
۶. فیومی، احمد بن محمد مقری (۷۷۰ هـ ق). المصباح المنیر في غریب الشرح الکبیر للرافعي، انتشارات منشورات دار الرضي، بی‌تا.
۷. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ هـ ق.)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، انتشارات دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

مقالات

۱. ابهری، حمید، تقی‌پور درزی نقیبی، محمدحسین (۱۳۹۴). تعهد پیش فروشنده به ساخت و تکمیل ساختمان و ضمانت اجرای آن در قانون پیش فروش ساختمان و مقایسهٔ آن با قانون مدنی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۱.
۲. ایزانلو، محسن؛ شاهین، ابوالفضل (۱۳۹۹). جریمه مدنی؛ مطالعه‌ای در حقوق تطبیقی و حقوق تجارت بین‌الملل، فصلنامه‌ی علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۹۲.
۳. آقائی، کامران (۱۳۹۶). ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی‌مدنی در آیین نظریه تعدیل پول، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۰.

۴. بیگدلی، سعید، اصانلو، اکبر (۱۴۰۳). سرنوشت اختلال در قراردادهای قائم به شخص در حقوق فرانسه، با نگاهی به حقوق ایران، فصلنامه علمی پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱۲، شماره ۴۶ بهار.

۵. جنیدی، لعیا، راضی، سپیده (۱۴۰۳). کارکرد حقوق تطبیقی در حقوق خصوصی با مطالعه موردی وجه‌التزام، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲۳ تابستان.

۶. حاجیان، هانی، سرخوش، جواد، اکبری، میثم (۱۳۹۹). علت تعارض آرا شورای نگهبان در مسئله خسارت تأخیر تأدیه، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال نهم.

۷. حسین‌آبادی، امیر (۱۳۹۵). اعتبار قانونی تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، مجله کانون وکلای دادگستری، سال شصت و هشتم.

۸. خورسندیان، محمدعلی، محمدی بصیر، فرهاد (۱۳۹۶). الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران در مقایسه با اسناد نوین حقوق خصوصی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۹ و ۸۰.

۹. سوادکوهی، سام (۱۳۸۱). تعزیر مدنی، شیوه تکمیلی جبران خسارت، **ماهنامه دادرسی**، شماره۳۵، سال ششم، آذر و دی.

۱۰. شریعتی، حمید (۱۳۴۳). در اجبار به انجام تعهد و بحث درباره کشف حقیقت قضائی و شأن انشا مادتین ۷۲۹ و ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، مجله کانون وکلا، شماره ۸۹.

۱۱. علی میرزایی، اقبال (۱۳۹۳). ارجاع قانون به قانون دیگر و دشواری‌های ناشی از آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵، بهار.

۱۲. فصیح‌زاده، علیرضا، طاهری، احد (۱۴۰۱). تحلیل ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص در حقوق ایران، فقه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۴.

۱۳. محسنی، حسن (۱۳۹۱). اجرای مؤثر رأی مدنی (مفهوم، راهکارها و موانع)، فصلنامه حقوقی، مجله دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره۴.

۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، حاجیان، هانی (۱۴۰۰). نظریه عمومی جریمهٔ مدنی (تعزیرات غیر کیفری)، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.

۱۵. محمدی، حفیظ‌الله، کریمی، سحر (۱۴۰۳) جریمهٔ مدنی: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و افغانستان، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، دوره ۱، شماره ۲.

۱۶. موسوی، سید عباس، اوصانلو، اکبر (۱۴۰۱). انتفای عقد به سبب عدم امکان اجرای موضوع آن در حقوق فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۰، زمستان.

۱۷. موسویان، سیدعباس، ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۵)٠ تعزیز مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی،سال شانزدهم،شماره۶۴،زمستان.

۱۸. مهرا، نسرین، داراب‌پور، محمدرضا، موسوی، سیدپوریا (۱۴۰۳). مطالعهٔ تطبیقی اهانت به دادگاه در نظام حقوقی ایران و انگلستان، مجله مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.

منابع اینترنتی

۱. معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضاییه. (۰۴ مرداد ۱۳۹۷). نشست قضایی با موضوع اخذ جریمه مالی از محکوم‌علیه در صورت عدم انجام تعهد مالی. برگرفته از:
https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/c489b625-b074-42ae-4bf8-08d65943a318

References

1. Abhari, H, Taghipour Darzi Naghibi, M H (2015). The pre-seller's obligation to construct and complete the building and the guarantee of its implementation in the pre-sale law of the building and its comparison with the civil law, *Quarterly Journal of Private Law Studies*, Volume 45, No. 1. (in Persian)
2. Abu al-Husayn, A ibn Faris ibn Zakariya (۱۹۸۳). *Dictionary of Language Standards*, Edited by: Abd al-Salam Muhammad Harun, Publications of the Islamic Propagation Office, Qom Seminary. (in Arabic)
3. Aghaei, K (2017). Article 522 of the Civil Procedure Code in the Theory of Monetary Adjustment, *Legal Research Quarterly*, No. 80. (in Persian)
4. Ali Mirzaei, I (2014). Reference of law to another law and the difficulties arising from it, *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, No. 65, Spring. (in Persian)
5. Amid, H (2014). *Amid s Culture*, Amirkabir Publishing House, Volume 1, 32nd edition. (in Persian)
6. Bigdali, S, Asanloo, A (20۲4). The fate of disruption in contracts between individuals in French law, with a view to Iranian law, *Quarterly Journal of Private Law Research*, Volume 12, Issue 46, Spring. (in Persian)
7. Bozorgmehr, A A, Mehrani, G (2016). *Reforms in French Civil Code*, Justice University Publications. (in Persian)
8. Dehkhoda, A A (1994). *Dictionary*, Vol. 10, First Edition, Tehran, Tehran University Press. (in Persian)
9. Emami, H (2012). *Civil Law*, Vol. 1, Ch. 36, Tehran, Islamieh Publications. (in Persian)
10. Fasihzadeh, A, Taheri, A (20۲2). Analysis of the Guarantee of Execution of the Obligations of the Principal to the Person in Iranian Law, Jurisprudence and Principles of International Commercial Contracts, *Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*, Volume 9, Number 4. (in Persian)
11. Fayoumi, A, *The Illuminating Lamp in the Strange Words of Al-Rafi'i s Great Commentary*, Publications of Dar Al-Radi, n.d. (in Arabic)
12. Hajian, H, Sarkhosh, J, Akbari, M (2020). The reason for the conflicting opinions of the Guardian Council on the issue of compensation for delayed payment, *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, Year 9. (in Persian)
13. Hassanzadeh, M (۲۰۲۱). *French Civil Code*, Contract Law, Obligations and Evidence to Prove a Claim, Publishing Joint Stock Company, First Edition. (in Persian)

14. Hosseinabadi, A (2016). Legal validity of the note to Article 47 of the Civil Execution Law, *Journal of the Bar Association*, Year 68. (in Persian)
15. Ibn Manzur, A, Jamal al-Din, M (۱۹۹۳). *Lisan al-Arab, proofreader*: Ahmad Faris Saheb al-Jawa'ib, second edition. (in Arabic)
16. Izanloo, M; Shahin, A (۲۰۲۰). Civil Penalty; A Study in Comparative Law and International Trade Law, *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, Volume 25, Number 92. (in Persian)
17. Jafari Langroodi, M J (۲۰۰۹). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law*, First Edition, Ganj Danesh Publications. (in Persian)
18. Jafari Langroodi, M J (۲۰۱۰). *Law of Obligations,* Fourth Edition, Ganj Danesh Publications. (in Persian)
19. Jafari Langroodi, M J (2014). *Legal Terminology*, 6th edition, Tehran, Ganj Danesh Publications. (in Persian)
20. Jahaniyan, M (2014). *The Law of Execution of Civil Judgments in the Current Legal System*, Vol. 1, Tehran, Javedaneh Publications, Jangal. (in Persian)
21. Jauhri, I (۱۹۸۹). Al-Sahah - *The Crown of the Language and the Correct Arabic*, first edition, Dar al-Ilam Publishing House for Muslims. (in Arabic)
22. Junaidi, L, Radhi, S (20۲4). The Function of Comparative Law in Private Law with a Case Study of Obligation, *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, Volume 7, Issue 23, Summer. (in Persian)
23. Katouzian, N (2003). *General Theory of Obligations*, Second Edition, Mizan Publications. (in Persian)
24. Katouzian, N (2008). *General Rules of Contracts*, Volume 3, Fifth Edition, Joint Stock Publishing Company. (in Persian)
25. Katouzian, N (2010). *Introductory Course in Civil Law; Legal Practices*: *Contract-Establishment*, Vol. 14, Tehran, Publishing Company. (in Persian)
26. Katouzian, Nasser (2011). *General Rules of Contracts*, Volume 4, Fifth Edition, Publishing Joint Stock Company. (in Persian)
27. Katouzian, Nasser (2019). *Philosophy of Law*, Volume 2, First Edition, Ganj Danesh Publications. (in Persian)
28. Khomeini, R, *Methods of Accessing the Science of Fundamentals*, Vol. 2, First Edition, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Arabic)
29. Khorsandian, M A, Mohammadi Basir, F (2017). Obligation to perform the same contractual obligations in Iranian law compared to modern private law documents,

Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives, No. 79 and 80. (in Persian)

30. Khorsandian, M A, Sharaei, E (2017). *The rule of negation of disruption of the system in private rights, the spread of computers*. (in Persian)
31. Kramios, K, *Implementation of Comparative Judgments of Executive Procedures*, translated by Siadat, Hamid Reza (2019). First edition, Judiciary Press and Publications Center. (in Persian)
32. Mehra, N, Darabpour, M R, Mousavi, P (20۲4). A Comparative Study of Contempt of Court in the Legal Systems of Iran and England, *Journal of Comparative Law Studies*, University of Tehran. (in Persian)
33. Moein, M (2009). *Persian Dictionary* (one volume Persian), Zarrin Publications, fourth edition. (in Persian)
34. Mohajeri, A (2007). *Detailed in Civil Procedure*, Fekrsazan Publications. (in Persian)
35. Mohammadi, H, Karimi, S (۲۰۲۴) Civil Penalty: A Comparative Study of Iranian and Afghan Law, Bi-*Quarterly Journal of Research and Development in Private Law*, Volume 1, Issue 2. (in Persian)
36. Mohaqeq Damad, M, Hajian, H (۲۰۲۱). General Theory of Civil Penalty (Non-Criminal Penalties), *Justice Legal Journal*, Volume 85, Number 114. (in Persian)
37. Mohseni, H (۲۰۲۲). *Effective Execution of Judgments and Procedures for Enforcement of Financial Convictions, Fifth Edition*, Tehran, Publication Joint Stock Company. (in Persian)
38. Mohseni, H (2012). Effective Implementation of Civil Judgment (Concept, Solutions and Obstacles), *Legal Quarterly, Tehran University Journal*, Volume 42, Number 4. (in Persian)
39. Mousavi, A, Osanlou, A (۲۰۲۲). Termination of a contract due to the impossibility of performing its subject in French law, *Justice Legal Journal*, No. 120, Winter. (in Persian)
40. Mousavi, A (۲۰۲۴). *Execution of Civil Judgments*, Volume, General Conditions and Arrangements for Execution, Volume 1, First Edition, Ganj Danesh Publications. (in Persian)
41. Moussavian, A, Mollakarimi, F (2016) 0 Financial sanctions and government fines for non-performing loans in Islamic banking, *Islamic Economics Quarterly*, Year 16, Issue 64, Winter. (in Persian)
42. Pakbaz, S (۲۰۲۱). *Description of French Civil Code*, Mizan Publications, first edition. (in Persian)
43. Safaei, H (2014). *Introductory Course in Civil Law; General Rules of Contracts*, Volume

2, 19th Edition, Mizan Publications. (in Persian)

44. Savadkouhi, S (2002). Civil Penalty, Supplementary Method of Compensation for Damages, *Monthly Journal of Litigation*, No. 35, Year 6, December and January. (in Persian)
45. Shahidi, M (2016). *Works on Contracts and Obligations*, 7th edition, Majd Publications. (in Persian)
46. Shams, A (2005). *Civil Procedure*, Volume 1, 8th Edition, Drak Publications. (in Persian)
47. Shams, A (2010). *Civil Procedure*, Volume 2, 9th Edition, Drak Publications. (in Persian)
48. Shams, A (2018). *Execution of Civil Judgments*, Volume 2, Second Edition, Tehran, Drak Publications. (in Persian)
49. Shariati, H (۱۹۶۴). On the compulsion to fulfill an obligation and the discussion about the discovery of judicial truth and the dignity of writing Articles 729 and 730 of the Civil Procedure Code, *Journal of the Iranian Bar Association*, No. 89. (in Persian)
50. Tareehi, F (۱۹۹۵). *Majma' al-Bahrain*, edited by Sayyid Ahmad Hussaini, third edition, Mortazavi Publications. (in Arabic)
51. Wasti, Z Hanafi, M, Hosseini, M (۱۹۹۳), *Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos*, first edition, Dar Al-Fakr Publications for Printing and Publishing and Distribution. (in Arabic)
52. Zeinali, T (2016). *An Introduction to the Law of Civil Enforcement*, Third Edition, Tehran, Cheragh Danesh Publications. (in Persian)